



نقد اقتصاد سیاسی - نقد بتواریگی - نقد ایدئولوژی

<https://naghd.com>

**گاه‌شمار تحلیلی**

**اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها و تشکلیابی کارگران در ایران**

**(۱۳۹۷-۱۲۸۵)**

بخش سوم (پایانی)

**یاشار دارالشفاء**



**۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۹**

## نمونه‌های اعتصابی:

**\*اعتصاب کارگران کارخانه‌های نساجی در مهر ۱۳۵۷:** هم‌زمان با گسترش اعتصاب‌ها در نیمه‌ی مهر ۱۳۵۷، کارگران چند کارخانه‌ی نساجی با خواست‌های رفاهی اعتصاب کردند، مانند چیت ری، اطلس بافت، ممتاز، چیت‌سازی ری و مهمل کاشان. آنگاه حدود ۱۵ کارخانه‌ی دیگر در تهران، اصفهان و یزد به اعتصابیان پیوستند و باب مذاکره را با کارفرمایان و وزارت کار گشودند و از وزارت کار درخواست کردند که به خواست‌های کاملاً رفاهی آنان، و حتی به برخی از آن‌ها، هرچه زودتر پاسخ گویند تا آنان از اعتصاب دست بردارند. پس از دنبال کردن اقدام‌های دسته‌جمعی، که به اصرار و پیگیری کارگران چند کارخانه‌ی تهران، مذاکرات ۲۳ ساعته میان سندیکای کارگران نساجی، سندیکای صاحبان صنایع نساجی و نمایندگان وزارت کار به عمل آمد، یک موافقت دسته‌جمعی برای اضافه دستمزد ۱۵۰ هزار تن کارگران صنایع نساجی، از ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال به عمل آمد و اعتصاب بلافاصله شکت و در ۴ آبان کارگران سر کار رفتند. در مقابل، نمایندگان کارگران قول دادند تا سر حد امکان نسبت به افزایش تولید و تقلیل ضایعات و نظم کار و حفظ منابع ملی اقدام لازم را به عمل آورند (همان: ۱۰).

**\*تهدید به اعتصاب کارگران صنایع چاپ در مهر ۱۳۵۷:** آنان به جای اعتصاب در ۱۸ مهر خواست‌های کاملاً رفاهی خود را اعلام کردند و یک اتمام حجت یک هفته‌ای به دولت و صاحبان چاپ‌خانه‌ها دادند. نامه‌ای که آنان برای طرح خواست‌های خود منتشر کردند چند نکته‌ی اساسی را روشن می‌کند:

- (۱) خودداری از اعتصاب و کوشش برای رسیدن به خواست‌ها بدون ایجاد اختلال در کار؛
- (۲) پذیرفتن اینکه اگر قانون کار و بیمه و سهمیه شدن در سود کارخانه‌ها درباره‌ی آن‌ها هم پیاده شود، تحول کلی در بهبود وضع آن‌ها حاصل خواهد شد؛
- (۳) این کارگران نیز اعلام کرده‌اند که در صورت انجام نشدن خواست‌ها، در محل کار حاضر خواهند شد و ضمن حضور در چاپ‌خانه از انجام کار خودداری خواهند کرد.

در نهایت وزارت کار در ۲۵ مهر با کارگران به توافق رسید و آنان مبادرت به اعتصاب نکردند (همان: ۱۱-۱۰).

**\*اعتصاب کارگران کارخانه‌ی سیمان فارس در تیسریاز در مهر ۱۳۵۷:** که در جریان آن با قبول خواست‌های کارگران از طرف مسئولان کارخانه، آن‌ها به سر کار خود بازگشتند (همان: ۱۱).

**\*اعتصاب کارگران کارخانه‌ی سیمان اقلید در مهر ۱۳۵۷:** که کلیه‌ی تقاضاهای آن‌ها که شامل افزایش دستمزد به میزان ۱۵ درصد، پرداخت ماهیانه ۱۵۰۰ ریال بابت نهار و ۱۵۰۰ ریال بابت ایاب و ذهاب و پرداخت کمک هزینه‌ی مسکن بود، مورد موافقت قرار گرفت و کارگران دست از اعتصاب کشیدند (همان).

**\*اعتصاب کارکنان و کارگران شرکت سیتروئن و سایبا در اواخر مهر ۱۳۵۷:** خواست‌های آنان شامل اضافه حقوق، دریافت حق اولاد، ۵۰ ساعت اضافه کاری و ایجاد شرکت تعاونی بود. حدود ۶۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان گروه صنعتی رنا (زامیاد، فنر سازی و رادیاتور سازی) از ۲۰ مهر اعتصاب کردند. خواست‌های آنان شامل ترمیم حقوق، حق مسکن، سنوات خدمت، و حق خواربار بود. با جامه‌ی عمل پوشانده شدن به اکثر این خواست‌ها آنان نیز دست از اعتصاب می‌کشند (همان).

**\*اعتصاب نفت‌گران آبادان از مهر تا آذر ۱۳۵۷:** اعتصاب در صنایع نفت در دو مرحله و از سوی دو گروه متمایز از کارکنان آغاز شد. نخستین اعتصاب‌ها را چند گروه از کارکنان و کارگران شرکت‌های وابسته به صنعت نفت در هفته‌های اول و دوم مهر ماه آغاز کردند. خواست آنان رفع تبعیض و همسان شدن وضع اقتصادی و مزایای‌شان با کارکنان دائمی شرکت نفت بود. کارگران پیمانکاری تنظیمات، کارگران حمل و نقل و شبکه‌سازی و تعمیرات، کارمندان اداره‌ی کالای پالایشگاه آبادان و به خصوص کارکنان تعاونی صنعت نفت، این اعتصاب‌ها با قول رسیدگی به خواست‌های رفاهی کارکنان و کارگران موقتاً پایان یافت.

اعتصاب اصلی در صنعت نفت در هفته‌ی آخر مهر ماه (در روز ۲۴ مهر ۱۳۵۷) در آبادان آغاز شد. یعنی هنگامی که اعتصاب سراسر کشور را فرا گرفته بود. این روز که مصادف با چهلم جمعه‌ی سیاه (۱۷ شهریور) بود، از سوی امام خمینی و آیات ثلاثه (شریعت‌مداری، گلپایگانی، نجفی مرعشی) به عنوان روز عزای عمومی اعلام شده بود. در این روز کارکنان اداره‌ی کالا و آزمایشگاه شرکت در آبادان دست به اعتصاب زدند. مأموران انتظامی (گاز و نفت) وارد محوطه شدند و ۷۰ نفر از کارکنان اداره‌ی کالا را با خود به خارج از پالایشگاه بردند و رها کردند، ولی ۸ تا ۱۲ نفر را تا شب هنگام در بازداشت نگه داشتند. کارکنان پالایشگاه به عنوان اعتراض به این عمل، فردای آن روز دست به اعتصاب زدند. یک هزار نفر از کارمندان سازمان عملیات غیرصنعتی نیز به حمایت از کارکنان اعتصابی جلوی اداره‌ی مرکزی شرکت ملی نفت اجتماع کردند. واحدهای اعتصابی از این قرار بودند: اداره‌ی مهندسی، اداره‌ی آزمایشگاه، اداره‌ی کالا، اداره‌ی حسابرسی، اداره‌ی بودجه، مدیریت اداری، انبارهای کارگاه مرکزی و کارگاه حمل و نقل و تعمیرات، هنوز اعتصاب به واحد اصلی پالایش نفت سرایت نکرده بود. در روز ۲۶ مهر ۱۳۵۷ کارکنان دوباره در برابر اداره‌ی مرکزی اجتماع کردند و درخواست‌های چهارگانه‌ی خود را به این شرح اعلام داشتند:

- پرداخت ۱۲/۵ درصد اضافه حقوق از اول مهر؛
- پرداخت ۷۵۰ تومان کمک شغل؛
- دادن جیره‌ی جنسی به کارمندان و خانواده‌ی آنان؛
- برکناری فوری تیمسار کلیایی، رئیس گارد صنعت نفت، و تعقیب مسببین حادثه‌ی ورود مأموران امنیتی به پالایشگاه و اهانت به کارکنان.

اعتصاب و اجتماع در مقابل اداره‌ی مرکزی هر روز تا یک هفته ادامه یافت.

به دنبال مبارزات کارکنان آبادانی، کارکنان صنعت نفت در جزیره‌ی خارک، لاوان، بهرگان، اهواز، گچساران، آغاچاری، مسجدسلیمان، مارون و بی‌بی حکیمه و شرکت سهامی خدمات نفت ایران در اهواز و آبادان و سایر مناطق، به اعتصاب پیوستند.

در این میان اعتصاب کارکنان صنعت نفت در اهواز، که با چاه‌های تولید نفت ارتباط نزدیک داشتند، اهمیت خاصی داشت. چنین به نظر می‌رسد که در میان کارکنان نفت، کارمندان شرکت سهامی خاص خدمات صنعت نفت در اهواز نقش مؤثری در تعمیق خواست‌های سیاسی کارکنان صنایع نفت داشتند. بدین معنا که آنان به سرعت با فرهنگیان و دیگر گروه‌های انقلابی همبسته شدند. کارکنان نفت اهواز به مرور رهبری مبارزات صنعت نفت را در دست گرفتند و سبب گسترش دوباره‌ی اعتصاب‌ها در هفته‌ی دوم آبان ماه با خواست‌های سیاسی شدند (همان: ۱۵).

در این هنگام واقعه‌ای روی داد که موجب توجه عموم به اهمیت جریان نفت در شاهرگ اقتصاد کشور و زندگی روزمره‌ی مردم شد. در ۲۹ مهر ۱۳۵۷ کارگران انبار نفت ری برای خواست‌های صرفاً رفاهی دست به اعتصابی چند ساعته زدند و بلافاصله با تحقق خواست‌هایشان به کار بازگشتند. اما همین وقفه‌ی چند ساعته در تحویل بنزین به تانکرها، اوضاع تهران را به کلی آشفته کرد. این رویداد سبب احساس قدرت زیاد در میان نفت‌گران اهواز و آبادان شد و آن‌ها خواست‌های خود را در گفت‌وگو با انصاری، مدیرعامل شرکت، از موضوع قدرت و با سرسختی عنوان و دنبال کردند.

پس از حضور مدیرعامل مذاکره و خواستن مهلت دو هفته‌ای و نیز دادن پاره‌ای وعده و نوید به کارکنان نفت، گروهی از نفت‌گران به کار بازگشتند، لکن به سبب انجام نشدن خواست‌هایشان دوباره در هفته‌ی دوم آبان ماه به اعتصاب سراسر دست زدند و در ۸ آبان ۱۳۵۷ اعتصاب سراسر خوزستان را فرا گرفت. در این زمان بود که کمیته‌ی مشترک کانون کارمندان صنعت نفت و نمایندگان کارگران مناطق نفت‌خیز جنوب، که بیش‌تر زیر نفوذ و رهبری کارمندان مبارز قرار داشت، رهبری مبارزات نفت‌گران را در دست گرفت و در نخستین جلسه‌ی خود که با حضور ۶۰ تن از نمایندگان کارمندان و کارگران صنعت نفت تشکیل شد، خواست‌های سیاسی نفت‌گران را برای نخستین بار اعلام کرد. آنان خواهان برچیده شدن حکومت نظامی، آزادی همه‌ی زندانیان سیاسی و دو تن از همکاران زندانی خود، انحلال ساوام، مجازات وزرا و مقامات فاسد، همبستگی با فرهنگیان و ایرانی کردن کامل صنعت نفت شدند. در واقع اعلام خواست‌های سیاسی نفت‌گران ۷ روز پیش از پایان گرفتن دوره‌ی اعتصاب‌های بزرگ بود؛ یعنی حتی کارکنان صنعت نفت هم در مقایسه با سایر نیروها خواست‌های رفاهی و اجتماعی را خیلی دیر به خواست‌های سیاسی تبدیل کردند. با ورود ارتش به تأسیسات نفتی در ۱۰ آبان ۱۳۵۷، اجتماع سیصدنفری کارمندان اعتصابی به دو هزار نفر می‌رسد (همان: ۱۷).

در ۱۵ آبان دولت نظامی روی کار آمد و اعلام کرد که هر کسی کار نکند اخراج، و در صورت مقاومت دستگیر خواهد شد. حدود ۲۰۰ تن از سران کارکنان اعتصابی بازداشت شدند. به تدریج کارکنان صنعت نفت، همانند دیگر دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی و خصوصی زیر فشار دولت نظامی به کار بازگشتند و تولید نفت، که به یک میلیون بشکه در روز کاهش یافته بود، به حدود ۶ میلیون بشکه در روز افزایش یافت. بدین گونه مدت یک ماه در سکوت نسبی گذشت.

از نیمه‌ی آذر ماه، همگام با اوج‌گیری تظاهرات ماه محرم و به خصوص پس از برگزاری مراسم تاسوعا و عاشورا، که ورشکستگی دولت نظامی آشکار شد، نفت‌گران دوباره مبارزه را آغاز کردند و در ۲۳ آذر ماه اعتصاب‌های سراسر برپا شد و تولید نفت به ۱ میلیون بشکه کاهش یافت و در ۵ دی ماه با گسترش اعتصاب‌ها، صدور نفت به کلی قطع شد. در ۱۰ دی ماه با سر کار رفتن کارکنان نفت، تولید نفت برای مصرف داخلی به ۲۲۰ هزار بشکه رسید. در ۱۷ دی هیأت اعزامی امام خمینی به مناطق نفت‌خیز رفت (به ریاست مهندس مهدی بازرگان) و صنعت نفت عملاً در اختیار این هیأت قرار گرفت و ثرار شد فقط برای مصرف داخلی نفت تولید شود و از صدور نفت جلوگیری به عمل آید.

در همین اوان، سندیکای مشترک صنعت نفت ایران، که شامل کارمندان و کارگران و زیر رهبری گروهی از جوانان پرشور کارمند قرار داشت، در اعلامیه‌ای که در ۲۰ دی ماه در روزنامه‌ی اطلاعات چاپ شد، خواست‌های خود را اعلام کردند که شامل پشتیبانی کامل از انقلاب و اعتصاب‌ها و نیز اعلام آمادگی در جهت تأمین سوخت داخلی بود (همان: ۱۷).

همچنین در خصوص این اعتصاب گفتنی است که بدون کمک‌های هنگفت نقدی بازاریان که توسط رهبران نهضت آزادی به پاره‌ای شوراهای نفت برای کمک به کارگران نیازمند تحویل داده می‌شد، ادامه‌ی اعتصاب امکان‌پذیر نبود (نک به: رهنما، ۲۰۱۶: «سازمان‌دهی طبقه‌ی کارگر: درس‌های گذشته و راه‌های آینده»).

**\*اعتصاب کارمندان و کارگران نیروگاه‌های وزارت نیرو در مهر ۱۳۵۷:** نیمه‌ی از ۳۷ هزار کارکنان آن کارمند و نیمه‌ی دیگر کارگر بودند. کارکنان وزارت نیرو که از چند سال پیش با این وزارت‌خانه اختلاف داشتند، از هفته‌ی اول مهر ۱۳۵۷ در نقاط مختلف کشور دست از کار کشیدند و دست‌کم در ۱۹ شهر اعتصاب برپا کردند. نخستین واحد اعتصابی وزارت نیرو ۸۵۰ نفر کارکنان (کارمندان و کارگران) سازمان آب و برق مشهد و شیراز بودند که با درخواست‌های مالی در ۱۶ شهریور در محل کارخانه اجتماع کردند و خواست‌های خود را اعلام نمودند و با دریافت مهلت یک ماهه به اعتصاب پایان دادند و دوباره در ۱۶ مهر اعتصاب کردند.

در ۱۰ مهر ماه گروهی از کارکنان شرکت توانیر و نیروگاه‌های زیر نظر این شرکت مانند نیروگاه طرشت، شهریار و فرح‌آباد تهران و همچنین کارکنان برق تهران، به عنوان اعتراض به میزان حقوق و دستمزد دست از کار کشیدند.

۱۱ مهر ماه ۱۳۵۷ کارمندان سازمان آب منطقه‌ای تهران طی نامه‌ای به فرماندار نظامی تهران اعلام کردند که خواست‌های آنان قانونی است و برای خودداری از اجتماع، نمایندگانی برای مذاکره با مقامات مسئول تعیین کرده‌اند تا خواست‌های آنان را اعلام کنند:

- احکام طبقه‌بندی مشاغل؛
- افزایش حقوق با توجه به رشد شاخص هزینه‌های جاری؛
- اقدام اساسی و فوری برای تأمین مسکن؛
- جایگزینی ضابطه به جای رابطه؛
- حقوق بازنشستگی؛
- جلوگیری از بورس‌های فرمایشی و آموزش کارمندان

در ۱۲ مهر، کارکنان مرکز تولید برق شاه‌آباد اصفهان دست از کار کشیده و اعتصاب غذا کردند. علت اعتصاب «کمی دستمزد و عدم استفاده‌ی کامل از مزایای قانونی است.» کارکنان این مرکز اعلام کرده‌اند که «اعتصاب آن‌ها صرفاً جنبه‌ی صنفی دارد و به هیچ وجه سیاسی نیست.»

۲۳۴۹ تن از کارمندان و کارگران آب و برق خوزستان هم از ۷ مهر ماه با ۲۲ خواست رفاهی و صنفی دست به اعتصاب زدند و تا دو هفته ادامه دادند. در بندرعباس هم نمایندگان، مهندسان، تکنسین‌ها و کارگران شرکت توانیر از ۱۱ مهر دست به اعتصاب غذا زدند و تا ۱۳ مهر آن را ادامه دادند.

اعتصاب وزارت نیرو در ۱۸ مهر ماه موقتا پایان یافت. همگام با اوج‌گیری مبارزات انقلابی در اوایل آبان ماه، کارکنان وزارت نیرو نیز بار دیگر به اعتصاب دست زدند و بدیهی است که خواست‌های مشارکت و سیاسی را تشدید کردند، از جمله خواهان انتخاب رؤسا و همبستگی با خواست‌های مردم شدند و از حکومت نظامی انتقاد کردند.

کارکنان وزارت نیرو با تشکیل دولت نظامی ساکت شدند، اما هم‌زمان با اوج‌گیری دوباره‌ی مبارزات انقلابی در ماه محرم، برخی از واحدهای برق تهران وارد مبارزه شدند و این بار با اعتصاب خود در یک نیروگاه، موجب خاموشی در تهران شدند. نظامیان این نیروگاه را اشغال کردند.

در همین زمان کارکنان برق تهران هنگام پخش اخبار تلویزیون، برق شهر را قطع می‌کردند تا اخبار اشغال‌گران نظامی از تلویزیون پخش نشود. این کارکنان نیز به حاکمیت امام خمینی و گروه اعزامی منتخب وی در زمینه‌ی اعتصاب گردن نهادند و از دی ماه تا پیروزی انقلاب، خود را در اختیار انقلاب نهادند (اشرف، ۱۳۹۰: ۱۷ و ۱۹).

**\*اعتصاب کارکنان و کارگران راه‌آهن در مهر ۱۳۵۷:** آغاز اعتصاب‌ها در راه‌آهن از هفته‌ی دوم مهر ۱۳۵۷ بود. آغازگر اعتصاب و ایفا کننده‌ی نقش مؤثر در انقلاب، با ناحیه‌ی راه‌آهن جنوب بود. کارکنان این ناحیه از ۸ مهر ماه دست به اعتصاب زدند (با خواست‌های رفاهی) و در ۱۵ مهر ماه، پس از یک هفته، با قول مساعد رؤسای راه‌آهن و ناحیه بدان پایان دادند. درست پس از موفقیت نسبی این ناحیه بود که در ۱۵ مهر ماه کارخانجات جریه و واگن‌خانه‌ی مسافری، ناحیه‌ی آذربایجان (تبریز) نیز دست به اعتصاب زدند. در همین روز در تهران نیز زمزمه‌ی اعتصاب آغاز، و حرکت بعضی از قطارهای مسافری از تهران متوقف شد. روز بعد اعتصاب عمومیت یافت.

به دنبال این اعتصاب که همه‌ی خواست‌های آن رفاهی بود، و با رسیدگی به خواست‌ها و دادن قول مساعد به کارکنان، اعتصاب به سرعت شکست ولی حالت بحرانی و کم‌کاری در واحدهای ناحیه‌ی راه‌آهن تهران و دیگر واحدهای مرکزی راه‌آهن ادامه یافت.

در ۱۶ مهر کارکنان راه‌آهن و گمرک جلفا دست از کار کشیدند و از تخلیه و بارگیری خودداری کردند. در همین روز کارکنان ناحیه‌ی اراک دست از کار کشیدند، لکن در ۲۰ مهر اوضاع در همه‌ی نواحی راه‌آهن آرام‌تر شد و حرکت قطارها به حالت عادی بازگشت. در هفته‌ی اول آبان که اعتصاب‌ها در همه‌جا به اوج رسیده بود، کارکنان راه‌آهن به سبب تأمین نشدن خواست‌های رفاهی دوباره دست به اعتصاب زدند که این بار همه‌ی نواحی و واحدها را دربر گرفت. خواسته‌های آنان به شرح زیر بود:

- روشن شدن کارهایی که به مدیران خارجی (مانند فرانسویان) احاله شده؛
- رسیدگی به وضع بورس‌ها که مورد استفاده‌ی مقام‌های بالای اداری قرار می‌گیرد؛
- فراهم نمودن امکانات لازم برای ترقی مهندسان، تکنسین‌ها و سایر تحصیل کرده‌هایی که در راه‌آهن راه پیشرفت بر آنان بسته شده است؛
- پرداخت وام و هزینه‌ی مسکن به کلیه‌ی کارکنان، اعم از رسمی و روزمرد و غیره؛
- اعطای کمک‌های غیرنقدی برای کلیه‌ی کارکنان؛
- تبدیل رسته‌ی خدمات به فنی مهندسی؛
- پرداخت وام ضروری؛
- تغییر ضریب حقوقی؛
- رفع محدودیت مدرک تحصیلی و جای‌گزینی تجربه به‌جای مدرک در کلیه‌ی رسته‌ها؛

- پس گرفتن کلیه‌ی بیمارستان‌ها و درمان‌گاه‌های راه‌آهن از وزارت بهداشت؛
  - رفع محدودیت‌های موجود شرکت تعاونی مصرف و مسکن کارکنان مرکزی راه‌آهن؛
  - رسمی شدن کارکنان روزمزد و پیمانی؛
  - در نظر گرفتن سوابق خدمتی کارکنانی که پس از مهر ماه سال ۱۳۴۵ به استخدام راه‌آهن درآمده‌اند.
- همانند دیگر دستگاه‌های اداری و دولتی با آمدن دولت نظامی تب اعتصاب کارکنان راه‌آهن هم فروکش کرد و حرکت قطارها به حالت عادی بازگشت. با اوج گرفتن مبارزات در ماه محرم و پس از تاسوعا و عاشورا، به خصوص پس از اوج‌گیری اعتصاب کارکنان نفت در ۹ دی ماه، ناحیه‌ی راه‌آهن جنوب دوباره پیشگام مبارزه شد و هماهنگ با اعتصابیان نفت، اعتصاب، و از حمل مواد نفتی برای ارتش خودداری کرد و مستقیماً تحت فرمان هیأت اعزامی امام خمینی قرار گرفت. نواحی دیگر نیز به پیشگامی راه‌آهن جنوب به اعتصاب پیوستند. در این زمان بود که خواست‌های کارکنان راه‌آهن سیاسی شد و ایشان رسماً به انقلاب پیوستند و در ایجاد حاکمیت دوگانه مؤثر شدند (همان: ۱۹ و ۲۱).

**\*اعتصاب کارکنان و کارگران بنادر و گمرکات در مهر ۱۳۵۷:** آغازگر اعتصاب در این واحدها گمرک تهران بود که در ۱۵ مهر به اعتصاب دست زد و ظرف یک هفته اعتصاب، همه‌ی مناطق عمده‌ی مرزی ورود کالا را فراگرفت. در ۱۶ مهر باربران گمرک جلفا (۴۰۰ تن) با خواست‌های کاملاً رفاهی دست از کار کشیدند. سپس کارکنان گمرکات و بنادر بندر بوشهر، بندرعباس، بندر شاهپور، رضائیه و خرمشهر به اعتصاب دست زدند. این اعتصاب‌ها به‌طور پراکنده تا اواخر مهر ادامه داشت، تا آن‌که اعتصاب‌ها در ۳۰ مهر با ابلاغ افزایش حقوق پایان یافت. در دی ماه که هرج و مرج سیاسی بر کشور حکم‌فرما شد، دوباره گمرکات و بنادر همانند سایر واحدهای عمومی دست از کار کشیدند و به اعتصاب‌های بزرگ آن زمان پیوستند و خود را در اختیار کمیته‌ی منتخب امام قرار دادند (همان: ۲۱).

**\*اعتصاب رانندگان اتوبوس، تاکسی و کامیون در مهر و آبان ۱۳۵۷:** رانندگان شرکت‌های واحد اتوبوس‌رانی، تاکسی‌رانی شهرها و رانندگان کامیون و کامیون‌داران نیز در این دوره به اعتصاب‌های عمومی پیوستند و خواست‌های خود را که فقط رفاهی و مالی بود، اعلام نمودند.

در دو ماهه‌ی مهر و آبان، شرکت‌های واحد اتوبوس‌رانی و مسافربری ۹ شهر، تاکسی‌رانان ۸ شهر و کامیون‌داران و رانندگان کامیون در ۸ شهر دست به اعتصاب زدند. به عنوان نمونه، خواست‌های کامیون‌داران قزوین از این قرار بود:

- تشکیل سندیکای مستقل کامیون‌داران؛

- آزاد شدن ورود لاستیک؛



- تعریض جاده‌ها؛
  - ایجاد توقف‌گاه بین راه و آسایشگاه؛
  - تأمین امنیت جاده‌ها؛
  - حذف عوارض؛
  - تأمین بهداشت کافه‌های بین راه.
- خواست‌های رانندگان تاکسی از این قرار بود:
- اضافه کردن کرایه؛
  - جلوگیری از کار تاکسی‌های پلاک سفید شخصی؛
  - بیمه‌ی درمانی و مسکن؛
  - ارزان کردن یدکی پیکان؛
  - کشیک جلوی گاراژ.

در این میان فقط شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ در اعلامیه‌ای علیه دولت شریف‌امامی شعار دادند و در دی ماه، که کار در شرف پایان بود، با انقلاب اعلام همبستگی کردند و خود را در اختیار و تحت اوامر آیت‌الله طالقانی قرار دادند و اعلام کردند که تنها به امر طالقانی و تعیین تکلیف شرعی حاضر به کار هستند (همان).

**«اعتصاب کارکنان هواپیمایی و فرودگاه در مهر ۱۳۵۷: هواپیمایی ملی ایران (هما) و فرودگاه‌های کشور نیز از واحدهای دولتی خدمات عمومی هستند. کارکنان هما در ۱۵ مهر ماه سر کار حاضر شدند، ولی از انجام کار خودداری کردند؛ هرچند پس از مذاکره با مدیرعامل سر کار رفتند و اوضاع شرکت به حالت عادی برگشت. تقاضای عمده‌ی آنان مربوط به بیمه و بازنشستگی بود. در هفته‌ی چهارم مهر، اعتصاب همه جانبه در مخابرات و هواشناسی فرودگاه تهران رخ داد. کارکنان این واحدها که جزو وزارت جنگ بودند، تقاضای برابر شدن حقوق و مزایای شان را با حقوق و مزایای ارتشیان داشتند. کلیه‌ی کارکنان هما به طور قاطع و با خواست‌های رفاهی و سیاسی در هفته‌ی دوم آبان ماه دست به اعتصاب کامل زدند و همه‌ی پروازها را قطع کردند.**

در دوره‌ی هرج و مرج انقلابی و افول حاکمیت در دی ماه، کارکنان هما هم با انقلاب اعلام همبستگی کردند و با خواست‌های کاملاً سیاسی به انقلاب پیوستند (همان: ۲۳).

**اعتصاب کارکنان پست در مهر ۱۳۵۷:** در این دوره، اعتراض کارکنان پست به وضعیت حقوق و دست‌مزدشان از زمانی آغاز شد که کارکنان مخابرات ۵ روز متوالی به اعتصاب دست زدند و مزایای جدیدی به دست آوردند. کارکنان پست که پیش از آن حقوق و مزایای کم‌تری از کارکنان مخابرات داشتند، در بهمن ۱۳۵۷ نخستین واحد خدمات عمومی بودند که اعتصاب کردند. آن‌ها در ۱۱ مهر با خواست‌های هفده‌گانه‌ی کاملاً مالی و رفاهی اعتصاب کردند و خواست‌های آنان به این شرح بود:

- خروج تشکیلات پست از شمول قانون استخدام و اداری آن به صورت یک سازمان مستقل؛
- تأمین حقوق و مزایایی مناسب با هزینه‌ی زندگی؛
- تعدیل شرایط احراز با توجه به جایگزینی تجربه به جای مدرک تحصیلی، بدون قید و شرط؛
- استرداد پایه‌های کسر شده و اعطای پایه‌های استحقاقی؛
- تبدیل وضع کارکنان پیمانی به رسمی، با احتساب سنوات خدمت پیمانی و اعطای گروه و پایه‌های استحقاقی؛
- پرداخت مزایای شغلی متناسب و مطابق با کارکنان شرکت مخابرات بدون در نظر گرفتن رشته و رشته؛
- پرداخت اضافه کار ساعتی ماهیانه، متناسب با ساعات کار اضافی حداقل ۱۲۰ ساعت برای کلیه‌ی کارکنان و به طور مستمر؛
- اجازه‌ی استفاده از دو روز تعطیلی در هفته و سایر تعطیلات رسمی، و یا در صورت اجبار به انجام وظیفه، پرداخت مزایا مطابق با شرکت مخابرات؛
- تأمین هزینه‌ی مسکن تا ایجاد خانه‌های سازمانی در محل مناسب با وام طویل‌المدت کم بهره، مطابق با شرکت مخابرات؛
- ایجاد شرکت‌های تعاونی مصرف یا اجازه‌ی استفاده از تعاونی شرکت مخابرات؛
- استفاده از کمک‌های غیرنقدی مطابق با شرکت مخابرات؛
- اختصاص حداقل صدی ده حقوق و مزایا به عنوان بدی شرایط محیط و سختی کار؛
- تأمین کمبود پرسنل مورد نیاز؛
- اختصاص و پرداخت پاداش معادل حقوق و مزایا دوبار در سال؛

- افزایش و پرداخت حق مأموریت پیک‌ها و هزینه‌های اختصاصی پستی‌ها و رانندگان و نگهبانان؛
- بیمه‌ی عمر پستی‌ها و پیک‌ها و رانندگان و مأمورین تخلیه و افراد مشابه به علت خطرات ناشی از کار؛
- رسیدگی به وضع کارگران روزمزد پست مطابق با قانون کار.

اعتصاب کارکنان پست به سراسر کشور سرایت کرد و تا اول آبان به مدت سه هفته‌ی تمام ادامه داشت تا آن که به طور مشروط اعتصاب شکست (همان).

**اعتصاب کارکنان مخابرات در مهر ۱۳۵۷:** کارکنان پروژه‌ی مخابراتی یک‌پارچه‌ی کشور نیز از اول مهر دست به یک مبارزه‌ی پیگیر و مداوم زدند تا به استخدام رسمی مخابرات درآیند. آنان از اعتصاب، کم‌کاری، اجتماع و حتی اعتصاب غذا برای رسیدن به خواسته‌هایشان استفاده کردند. اعتصاب آنان چندین هفته به طور انجامید و سرانجام پس از انقلاب به استخدام رسمی مخابرات درآمدند. پس از پایان مشروط اعتصاب‌های پست در نیمه‌ی اول آبان و روی کار آمدن دولت نظامی، وضع این واحدها تقریباً به حالت عادی برگشت. با اوج گرفتن مبارزات انقلابی در دی ماه، دوباره واحدهای پست و مخابرات دست به اعتصاب زدند و گروهی از آنان حتی پس از اعلام پایان اعتصاب از سوی کمیته‌ی منتخب امام، هنوز مقاومت می‌کردند (همان: ۲۵).

**اعتصاب کارکنان ذوب‌آهن اصفهان در مهر ۱۳۵۷:** ۱۱ مهر ۱۳۵۷ کارکنان ذوب‌آهن اصفهان دست به اعتصاب زدند و حتی اعتصاب غذا به‌راه انداختند. در ۲۴ مهر غالب خواست‌های کارکنان برآورده شد و آنان سر کار رفتند و ذوب‌آهن تقریباً تا اواسط دولت نظامی به کار خود ادامه می‌داد تا آن که از اواخر آذر ماه به علت اعتصاب‌هایی که در معادن ذغال کرمان روی داد، ذوب‌آهن در خطر تعطیلی کامل قرار گرفت (همان).

**اعتصاب کارکنان مس سرچشمه در مهر ۱۳۵۷:** صنایع مس سرچشمه از واحدهای بزرگ دولتی بود که در مرحله‌ی تأسیس و گسترش قرار داشت. کارکنان، مهندسان و کارگران این واحد در ۱۷ مهر ماه در سرچشمه و تهران دست به اعتصاب زدند. خواست‌های آنان شامل افزایش حقوق، مسکن و بیمه بود. آنان در نیمه‌ی اول دوره‌ی دولت نظامی، ساکت شدند و با اوج‌گیری انقلاب و تعدد حاکمیت در دی ماه، دوباره با نهضت امام خمینی اعلام همبستگی کردند و برکناری ضرغامی (مدیرعامل) و اخراج کارشناسان خارجی را خواستار شدند. ضرغامی در اول بهمن اعلام کرد که همه‌ی کارها با رفتن ۱۷۵ خارجی و کشته شدن یک آمریکایی متوقف شده است (همان).

**اعتصاب کارگران کارخانه‌های ماشین‌سازی اراک و ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در شهریور ۱۳۵۷:** کارخانه‌های ماشین‌سازی اراک و ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز از واحدهای پیشرو و فعال در جریان انقلاب بودند و در میان کارخانه‌های کشور تا حدی جنبه‌ی استثنایی داشتند. این کارخانه‌ها در

واقع در زمره‌ی واحدهای بزرگ خدمات عمومی و منابع ملی به شمار نمی‌آیند، اما به جهت این که از صنایع اساسی ماشین‌سازی و فلزی و دولتی هم هستند و در انقلاب نقش فعالی داشته‌اند.

کارگران این واحدها در هفته‌ی دوم شهریور ماه (۱۱ شهریور به بعد) با خواست‌های رفاهی و صنفی دست به اعتصاب زدند. کارگران و کارکنان ماشین‌سازی تبریز از ۱۱ تا ۱۶ شهریور اعتصاب کردند و ۲۰۰۰ کارگر در این اعتصاب شرکت داشتند. دولت اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد، قرارداد جمعی را لغو و کارخانه را تعطیل کرد و به استخدام دوباره کارگران پرداخت. در جریان اعتصاب خواست‌های کارگران به شرح زیر بود:

- کمی دستمزد با توجه به گرانی و بالا بودن هزینه‌ی زندگی؛
- کمی دوران مرخصی سالانه؛
- دادن حق مسکن به طور مساوی به تمام افراد کارخانه که تنها به افراد متأهل داده می‌شود؛
- وام سازمان گسترش بین مدیران و مهندسان کارخانه تقسیم شده و به کارگران چیزی نرسیده است؛
- طبقه‌بندی صحیح در مورد کارگران عملی نشده است؛
- مشکلات بیمه‌های درمانی بیش از هر مورد دیگری درد ما کارگران است، چرا که هر ماه مبلغ زیادی از دستمزد ما کسر می‌شود، ولی در عمل دوا و درمان خوبی ارائه نمی‌شود؛
- غیبت، کسر حقوق، توبیخ و بیکاری.

به دنبال اعلام خواست‌ها و ادامه‌ی اعتصاب، مذاکراتی میان نمایندگان کارگران و کارفرما انجام و قرار شد کارگران ظرف ۴ روز کار را شروع کنند. اما، آن‌ها از بازگشت به کار خودداری کردند.

در این هنگام کارخانه‌ی ماشین‌سازی تبریز موضع خود را در قبال کارگران طی اعلامیه‌ای اعلام کرد. نکته‌ی اساسی در این اطلاعیه آن است که در واحدهای دولتی، به‌رغم ضرر و زیان، به علت کمک‌های دولت کارخانه‌ها توانایی ادامه‌ی کار را داشتند، در حالی که این وضع در واحدهای خصوصی غیرممکن بود.

به دنبال اعتصاب ماشین‌سازی، کارگران تراکتورسازی تبریز، که غالباً دنباله‌رو ماشین‌سازی بودند، با خواست‌های رفاهی در هفته‌ی سوم شهریور ماه اعتصاب کردند و آن را تا ۲۴ شهریور ادامه دادند، ولی در حد کارگران ماشین‌سازی پایداری به خرج ندادند.

کارگران ماشین‌سازی اراک هم‌زمان با کارگران ماشین‌سازی تبریز در هفته‌ی دوم شهریور اعتصاب راه انداختند. موارد اعتراضی کارگران به این شرح بود:

- نامعلومی وضعیت بیمه‌ای کارگران؛
- نامعلومی سرنوشت خرید زمین برای ساختن مسکن برای کارکنان؛
- عدم شفافیت هزینه‌کرد سندیکای کارگران؛
- بی‌ضابطگی لغو کسورات جهت پس‌انداز حقوق کارکنان؛
- عملیاتی نشدن تعطیلی روزهای پنجشنبه در کارخانه؛
- بلا تکلیفی ساخت مسجد در کوی کارگران؛
- فراهم نشدن درمانگاه، بیمارستان و سرویس رفت و آمد در شهر صنعتی و کوی کارکنان؛
- عدم اجرای عادلانه‌ی طرح طبقه‌بندی مشاغل؛
- کناره‌گیری رئیس انتظامات کارخانه؛
- کاسته شدن از تعداد مدیران کارخانه، به ویژه مدیرانی که در دفتر مرکزی تهران هستند؛

کارگران کارخانه‌های ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز و اراک که جمعا حدود ۶۰۰۰ تن بودند، در جریان اوج گرفتن اعتصاب‌ها در نیمه‌ی مهر ماه دوباره اعتصاب کردند و این بار خواست‌های خود را به مسائل مربوط به مدیریت، سندیکا و امور کارخانه گسترش دادند و در اوایل آبان ماه خواست‌های ملایم سیاسی را نیز بدان‌ها افزودند. در این میان کارگران ماشین‌سازی اراک در واقع تنها گروهی بودند (از طبقه‌ی کارگر) که دست به راهپیمایی بزرگ در آن دوره زدند (همان: ۲۷).

**※اعتصاب کارگران دخانیات تهران در مهر ۱۳۵۷:** کارکنان دخانیات تهران از ۱۱ مهر به اعتصاب دست زدند و به دنبال آنان واحدهای دخانیات در ۱۱ شهر به آنان پیوستند. خواسته‌های آنان به این شرح بود:

- افزایش میزان حقوق؛
- کاهش ساعات کار به اندازه‌ی ۶ ساعت در هر شیفت؛
- روزهای مرخصی سالانه از ۱۲ روز به یک ماه افزوده گردد؛
- پرداخت حقوق و مزایا در ایام مرخصی یک ماهه‌ی سالانه؛
- تعلق گرفتن سود ویژه به کارگران همانند کارگران بخش خصوصی؛

اعتصاب کارکنان دخانیات پس از یک مهلت ۱۵ روزه، برای رسیدگی به خواست‌های ۱۷ گانه، در ۲۴ مهر پایان یافت، ولی به علت رسیدگی به خواست‌های رفاهی با تعمیق حوادث و جریان‌های انقلابی، در مرحله‌ی دوم اعتصاب‌ها که از ۹ آبان آغاز شد، خواست‌های تازه‌ای که مربوط به نحوه‌ی مدیریت و قراردادهای خارجی و اداره‌ی امور شرکت بود و تا حدی جنبه‌ی سیاسی داشت، بدان‌ها اضافه شد. خواسته‌های جدیدی که پس از این مهلت ۱۵ روزه به سیاهه‌ی ۱۷ گانه اضافه شد، از این قرار بود:

- با اینکه قراردادهای شرکت دخانیات ایران با کمپانی رنو در آمریکا و قراردادهای عاملیت سایر سیکارت‌های آمریکایی و انگلیسی در شرایط خاص و به طور محرمانه تنظیم شده، مع هذا مسلم است که از قرارداد رژی، که پدران ما ۱۵۰ سال پیش زیر بار ننگ آن نرفتند، تحمیلی‌تر و ظالمانه‌تر است. لغو فوری قرارداد مزبور و نظم فوری قرارداد مزبور و نظم فوری ورود و فروش سیگارهای خارجی را خواهیم.

- با توجه با اینکه بازار سیاه از عوامل مهم ایجاد نارضایتی و ناامنی اجتماعی شناخته شده، به حساب شرکت موزع، که با اسامی مختلف در طول پانزده سال گذشته انحصار توزیع کالای دخانیات در تهران را داشته است، دقیقاً رسیدگی شود و با لغو قرارداد شرکت موزع، توزیع کالای دخانیات در تهران به دست شرکت‌های تعاونی مصرف کارمندان و کارگران دخانیات انجام گیرد.

- صورت کاملی از پاداش‌هایی که در پنج سال گذشته از محل ۱۵٪ ذخیره و فروش کالای قاچاق داده شده، منتشر شود. و از این به بعد پاداش‌هایی که از این محل پرداخت می‌شود، حداکثر با ۱۰٪ اختلاف، به طور مساوی به عموم کارکنان داده شود.

- روابط در اعطای پست‌ها و مشاغل حاکم بر ضوابط است: کمیته‌ای به نام کمیته‌ی انتصابات در شرکت به‌وجود آید که نماینده‌ی منتخب کارمندان (که هر سال تجدید انتخابات می‌گردد) در آن عضویت داشته باشند.

در مرحله‌ی سوم اقدام‌های سیاسی، یعنی در دوره‌ی تعدد حاکمیت در دی ماه ۱۳۵۷، کارکنان دخانیات اعلامیه‌ای به امضای «جامعه کارکنان»، شامل کارمندان و کارگران صادر و از نهضت انقلابی پشتیبانی کردند (همان: ۲۹).

### **دوره هشتم (۱۳۵۷-۱۳۶۰): نان، کار، آزادی / اداره‌ی شورایی**

در پاره‌ای از کارخانه‌ها، همراه با تشدید بحران اقتصادی در سال ۱۳۵۶ و فرسایش فراینده‌ی قدرت سرکوب شاه، کارگران و کارمندان بر خواست‌های اقتصادی خود از جمله افزایش دستمزدها، طبقه‌بندی مشاغل و مشارکت در سود سهام پای فشردند. این حرکات از اواسط سال ۱۳۵۷ به اعتصاب‌های پراکنده‌ای در این

کارخانه‌ها منتهی شد و در اغلب موارد به ایجاد «کمیته‌های اعتصاب» انجامید که سرانجام نام «شورا» را برگزیدند. کارخانه‌هایی نیز بودند که با فاصله‌ی زمانی بیش‌تر و قبل از انقلاب کمیته‌ی اعتصاب تشکیل دادند و بلافاصله نام شورا را پذیرفتند. گروه سوم آن کارخانه‌هایی بودند که بدون داشتن کمیته‌ی اعتصاب، پس از انقلاب برای خود شورا تشکیل دادند.

بلافاصله پس از انقلاب و دستور رهبر انقلاب برای بازگشت به کار، دولت موقت مهندس بازرگان، هیئت مدیره‌ها و مدیران جدیدی برای صنایع دولتی و نیز برای ۵۸۰ (بعداً ۸۰۰) واحد صنعتی بخش خصوصی که تحت کنترل دولت و یا شوراهای درآمده بودند، تعیین کرد. در این دوران مهم‌ترین نقش شوراهای در صنایع دولتی و ملی‌شده، مقابله با مدیران انتصابی، اعمال فشار برای تأمین خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران و تأمین مشارکت در مدیریت کارخانه‌ها بود.

حاکمیت جدید از آغاز نسبت به شوراهای بی‌اعتماد بود و آن‌ها را خطری برای خود ارزیابی می‌کرد. بالاخص آن که تعداد بسیار زیادی از شوراهای صنایع مهم تحت کنترل سازمان‌های سیاسی قرار داشتند. با آن‌که جناحی از رژیم عموماً از اهمیت شوراهای سخن می‌گفت و به آیه‌های قرآنی در باب شورا و مشاوره عطف توجه می‌داد، اما درکش از شوراهای کلاً از آن‌چه که کارگران و کارمندان بر آن تأکید داشتند، متفاوت بود. اینان نوعی شورای مشورتی که تحت کنترل دولت اسلامی باشد، در نظر داشتند. جناح دیگر جمهوری اسلامی طرفدار بازار و اقتصاد آزاد بود، بی‌پرده‌پوشی و بدون قید و شرط با شوراهای مخالف بود. دولت بازرگان نیز علاقه و اعتمادی به شوراهای نداشت.

بر اثر این اختلاف‌نظرها و عمدتاً به علت قدرت شوراهای در مراحل اولیه‌ی بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی در آغاز چاره‌ی دیگری جز تحمل موقتی شوراهای نداشت، در این موقعیت سعی فراوان می‌کرد تا بلکه شوراهای را جذب سیاست‌ها و ایدئولوژی خود سازد. پیشبرد چنین سیاستی به دلیل گرایش‌های متفاوت سیاسی و ایدئولوژیک رهبران و اعضا امری غیرعملی بود و به‌همین دلیل تصمیم به حذف این شوراهای و ایجاد «شوراهای اسلامی» در کارخانه‌ها گرفته شد. وسیله‌ی اصلی حذف این شوراهای «انجمن‌های اسلامی» بودند که با کمک حزب جمهوری اسلامی در تمامی کارخانه‌های کشور پدید آمدند. انجمن‌های اسلامی ضمن ایجاد فضای وحشت در کارخانه‌ها، به‌طور وسیعی به تبلیغات ایدئولوژیک در میان کارگران و کارمندان دست زدند و هم‌زمان علیه فعالان شورایی اقدام می‌کردند. در شهریور ۱۳۵۹ مجلس قانون شوراهای اسلامی کارخانجات را از تصویب گذراند. بر طبق این قانون شوراهای که نمایندگان‌شان با نظارت وزارت کار و امور اجتماعی برگزیده می‌شدند، تنها جنبه‌ی مشورتی و وظیفه‌ی همکاری با مدیران کارخانجات را برعهده داشتند. همراه با استحکام قدرت حاکمیت از یک‌سو و تضعیف و زوال درونی شوراهای از سوی دیگر، تهاجم علیه شوراهای تشدید شد و بسیاری از فعالان شورایی بازداشت و یا اخراج شدند و در مقابل در اغلب کارخانجات شوراهای اسلامی مستقر شدند.

تا اواسط سال ۱۳۶۰ دیگر تقریباً تمامی شوراهای اصلی منحل و نابود شدند. روند یادشده بی‌تردید عامل بسیار مهمی در شکست جنبش شورایی در ایران بود. اما زوال شوراهای عمدتاً از ضعف درونی طبقه‌ی کارگر و سازمان‌های چپ و نیز ماهیت خود شوراهای و ویژگی‌های صنایع کشور ناشی می‌شد. به‌علاوه ماهیت اتوپیکی شوراهای و کنترل کارگری و ابهاماتی که پیرامون این مفاهیم وجود داشتند، سبب می‌شد که آرمان‌های رادیکال این شوراهای نتوانند متحقق شوند (رهنما، ۲۰۱۶: سازماندهی طبقه‌ی کارگر: درس‌های گذشته و راه‌های آینده).

اشرف با در نظر گرفتن کم و کیف اعتراضات کارگران در سه دوره‌ی «پیش از انقلاب»، «دوره‌ی انقلاب» و «پس از انقلاب» (به طور خاص سه سال اول) معتقد است که «پرولتاریای صنعتی ایران، آن‌طور که نیروهای چپ انتظار داشتند، شور و شوق انقلابی نداشت» (اشرف، ۱۳۹۰: ۳۳). اشرف مدعی‌اش را به این شکل به اعداد و ارقام مستند می‌کند:

پیش از انقلاب فقط ۱۲ درصد کارخانه‌های بزرگ، در دوره‌ی انقلاب ۱۴ درصد و در دوره‌ی پس از انقلاب ۲۳ درصد آن‌ها دست به مبارزه زدند. تازه، در هر ۳ دوره خواست‌های پرولتاریا به طور عمده معطوف به امور صنفی-اقتصادی بود و به ندرت به امور سیاسی و هدف‌های انقلابی می‌پرداخت (همان). جدول زیر که از پژوهش آصف بیات برگرفته شده، به طور خاص کم و کیف مطالبات کارگران در یک ساله‌ی پس از انقلاب را نشان می‌دهد (بیات، «کارگران و انقلاب در ایران»):

مقارن مطالبات کارگری بین بهمن ماه ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸

جزئیات میزان مطالبات اقتصادی														
ماه	ماه	ماه	ماه	ماه	ماه	ماه	میان	مجموع	ماه	ماه	ماه	ماه	ماه	
۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	نرخ	طبی	۵	۴	۳	۲	۱	
							درصد	ماه						
۴	-	۴	۴	۳	۱	۱	۱۷/۹	۷۷	۱۴	۱۳	۹	۱۵	۲۶	
۱	-	-	-	-	-	-	۲۰/۰	۸۶	۱۴	۱۱	۱۳	۲۴	۲۴	
-	-	-	-	-	۱	-	۴/۰	۱۷	-	۱	۵	۶	۵	
۱	۱	۱	-	۲	۲	۶	۱۶/۵	۷۱	۲۰	۲۱	۱۴	۱۱	۵	
۳	-	۳	-	۱	-	۱	۴/۰	۱۷	۲	۳	۱	۷	۴	
-	-	-	-	-	-	-	۳/۰	۱۳	۱	-	۳	۳	۶	
-	-	۱	۲	-	۱	۱	۴/۴	۱۹	۹	۴	۲	۴	-	
-	-	۲	-	-	۱	۱	۳/۰	۱۳	۷	۲	۱	۳	-	
-	-	-	-	-	-	-	۰/۷	۳	۲	-	-	-	۱	
۲	-	۸	۳	۲	۵	۷	۲۶/۵	۱۱۴	۳۲	۳۰	۱۸	۱۸	۱۶	
۹	۱	۱۷	۷	۸	۱۱	۱۷	۱۰۰/۰	۴۳۰	۱۰۱	۸۵	۶۶	۹۱	۸۷	
مجموع مطالبات اقتصادی														
جزئیات مطالبات ریشهای (رادیکال)														
-	-	۲	-	-	۲	۳	۸/۴	۱۸	۶	۱	۴	۴	۳	



-	-	۳	۱	-	-	-	۱۳/۵	۲۹	۲	۴	۴	۹	۱۱	تأسیس برای تشکیل و با رسمیت شناساندن شوراهای
۱	۴	۴	۱	-	۱	۱	۲۰/۰	۴۳	۱۰	۱۴	۵	۱۳	۳	تعیین و اخراج مدیران، کارفرمایان و روسای گمارده شده پیش و پس از انقلاب و گماردن مدیریت جدید
۳	-	۴	-	-	-	۲	۱۰/۲	۲۲	۶	۴	۴	۶	۲	کنترل تولیداتوزیع، مدیریت واحد تولید، حق مداخله در تمامی امور واحد تولید
۱	-	-	۱	-	-	-	۵/۱	۱۱	۲	۱	-	۵	۳	فعال کنترول در قراردادهای و توزیع اعتبارات ویژه
-	-	-	-	-	-	-	۲/۴	۵	-	-	-	۴	۱	کنترول در امور استخدام و اخراج
۱	۴	-	-	-	-	-	۵/۵	۱۲	۲	۳	۳	۳	۱	نگه کردن و یا مصارف سرمایه
۴	-	۴	۳	-	-	-	۱۳/۵	۲۹	۱۰	۱۱	۲	۳	۳	مداخله با سندسور، بدرهاری، ترمیم، اخراج کارگران جنب و پیشرو
-	۱	۱	-	۱	۱	-	۲/۸	۶	۲	-	۱	۳	-	مداخله با شوراهای فرمایشی
-	-	-	-	-	-	-	۳/۳	۷	-	۱	۱	۴	۱	تأسیس حق اجتماعات و اعتصاب
-	-	۱	-	-	-	-	۳/۳	۷	-	-	۴	۳	۴	فرآیند جدید کار
-	۴	۱	۱	۳	۱	۲	۱۴/۰	۲۶	۹	۴	۴	۶	۵	۴۰ ساعت کار در هفته
۸	۷	۱۶	۷	۴	۵	۹	۱۰۰/۰	۲۶۶	۴۹	۴۱	۲۸	۶۳	۳۵	مجموع مطالبات ریشهای (در تریکل)
۹	۳	۱۴	۸	۷	۵	۱۴	-	۲۸۷	۶۷	۵۴	۴۷	۵۸	۶۳	نماد واحدهای درگیر مطالبات

• شامل کمک هزینه‌ی مسکن و فرزند، تعاونی مصرف، طبقه بندی مشاغل، دیگر پاداش‌ها، تعطیلات اضافی و غیره.

بی‌عملی پرولتاریا در دوره‌های انقلاب یا پیش از انقلاب، به سبب فشار و سرکوب رژیم قابل فهم بود، اما آن چه موجب شگفتی و دلسردی نیروهای چپ شد، بی‌عملی نسبی کارگران صنایع کشور در دوره‌ی انقلاب و سال نخست پس از پیروزی انقلاب بود. در دوره‌ی اوج‌گیری انقلاب، در مراحل سوم و چهارم انقلاب، که تقریباً همه‌ی طبقات و قشرهای اجتماعی در شهرها بر ضد رژیم به‌پا خاسته بودند، انواع شیوه‌های انقلابی مبارزه را به‌کار می‌بردند و شدیدترین شعارهای سیاسی را سر می‌دادند، طبقه‌ی کارگران صنعتی به‌طور نسبی ساکت بود و هر گاه نیز به عملی دست می‌زد، به‌طور عمده برای خواست‌های رفاهی بود. در ماه‌های مهر و آبان ۱۳۵۷، اعتصاب‌های کارگری فقط ۱۶ درصد از کل اعتصاب‌ها را تشکیل می‌داد و نسبت تظاهرات طبقه‌ی کارگر در محل تولید بسیار ناچیز و حدود ۱ تا ۲ درصد کل تظاهرات دوره‌ی انقلاب بود. در دوره‌ی یک ساله‌ی پس از انقلاب، که نیروهای چپ به کارخانه‌ها رخنه کرده بودند و از آزادی نسبی آن دوره سود می‌بردند، طبقه‌ی کارگر چندان جنب و جوشی از خود نشان نداد و مبارزان چپ را سرخورده و نومید کرد (اشرف، ۱۳۹۰: ۳۳ و ۳۵). باز هم آمارهای اعتراضات سه ساله‌ی اول بعد از انقلاب می‌تواند گواه این مدعی باشد (بیات، «کارگران و انقلاب در ایران»):

## آمار جزییات رویدادهای مبارزات کارگری در برقی مجتمعات صنعتی بین سال‌های ۱۳۵۷ و ۱۳۶۰\*

صنایع	۱۳۵۸-۱۳۵۷	۱۳۵۹-۱۳۶۰	۱۳۶۱-۱۳۶۲	مجموع
فلز، فولاد، نفت	۸۵	۴۷		۲۱۶
نساجی و چرم‌سازی	۴۵	۱۳		۹۲
کاغذ و چوب	۱۴	-		۱۷
پرنده‌های مواد خوراکی	۲۰	۵		۳۷
ساختمان	۹۱	۴		۱۱۴
معدن، حمل و نقل و ارتباطات	۱۹	۷		۳۶
متفرقه	۸۷	۵		۱۱۰
<b>مجموع</b>	<b>۳۶۶</b>	<b>۸۲</b>	<b>۲۰۰</b>	<b>۸۲۸</b>

\* شامل اشکال مختلف اعتصابات، تحصن، و اشغال مجتمعات صنعتی (رجوع کنید به جدول ۱۰-۲) منابع: گزارش‌های مبارزات کارگری در شماره‌های مختلف "کار"، "پیکار"، "دولت و انقلاب" و "راه کارگر"، شماره‌های ۸ و ۱۴، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵.

اشرف نیز مدعی بی‌عملی پرولتاریا در پیش و حین و پس از انقلاب را مستند به داده‌های بازه‌ی ۱۳۴۹-۱۳۵۹ اثبات می‌کند:

«در این دوره‌ی نسبتاً طولانی، ۱۲۰ واحد کارگری ۱۶۵ بار اعتصاب کرده‌اند، که از این میان ۹۶ واحد یا ۸۰ درصد آن‌ها متعلق به گروه صنایع یا کارخانه‌های جدید صنعتی بزرگ، و بقیه به سایر گروه‌های اصلی فعالیت اقتصادی تعلق داشته‌اند (جدول‌های ۱ و ۲). واحدهای صنایع اعتصابی حدود ۱۲ درصد کارخانه‌های بیش از ۱۰۰ نفر کارگر را دربرمی‌گرفتند. یعنی در برابر ۹۶ واحد اعتصابی، ۶۷۷ واحد بزرگ صنعتی بی‌اعتنا به اعتصاب‌ها به کار خود ادامه داده‌اند. از این گذشته، تکرار اعتصاب‌ها در واحدها نیز کم بوده است. یعنی غالب واحدها در این دوره‌ی طولانی تنها یک بار اعتصاب کرده‌اند و فقط ۹ واحد بیش از دو بار اعتصاب راه انداخته‌اند: جهان چیت، کبریت‌سازی توکلی، پالایشگاه آبادان، نورد اهواز، و کارخانه‌ی ارج تهران هر کدام ۴ بار، و نساجی شاهی، کفش بلا، بی.اف.گودریچ و بنز خاور هر کدام ۳ بار ... بیشترین واحدهای اعتصاب‌کننده و بیش‌ترین موارد اعتصاب به دو گروه عمده‌ی صنایع جدید تعلق دارد: صنایع فلزی و ماشینی و صنایع نساجی و کفافی؛ این دو گروه در حالی که فقط دو پنجم واحدهای بزرگ را دربرمی‌گرفتند، بیش از سه‌پنجم واحدهای اعتصابی را شامل می‌شدند و به همین نسبت اعتصاب‌ها را راه انداخته‌اند (جدول ۳). بقیه‌ی اعتصاب‌ها را ۲۴ واحد کارگری متعلق به سایر گروه‌های فعالیت اقتصادی ترتیب داده‌اند، از جمله رانندگان و کارگران معادن که ۱۵ مورد از واحدهای اعتصابی را دربرمی‌گرفتند. جمع کل اعتصاب این واحدها ۲۸ بار اعتصاب بوده است، یعنی ۱/۱ بار اعتصاب به‌طور متوسط (جدول‌های ۲ و ۵). خواسته‌های اعتصاب‌کنندگان در غالب موارد، مالی و رفاهی بوده و فقط در ۳ درصد موارد خواسته‌های تأمین شغل و در ۴ درصد بقیه، خواسته‌ها به سندیکا و اعتراض به مدیریت و مانند آن ارتباط داشته است (جدول ۷). شیوه‌ی غالب مبارزه در این دوره اعتصاب بود، چنان‌که ۸۷ درصد موارد را دربر می‌گرفت. فقط در ۸ درصد موارد از اعتراض و شکایت و در ۵ درصد موارد از انواع تظاهرات، مانند راهپیمایی و اجتماع، استفاده شده است (جدول ۸). اعتصاب‌ها غالباً مسالمت‌آمیز بود و در بیش از دو سوم موارد، از خشونت و

اخراج و درگیری گزارشی در دست نیست. فقط در کمتر از یک سوم موارد درگیری و خشونت به کار رفته است. در ۶ درصد از موارد حدود ۱۴۸۲ تن از کارگران پس از خاتمه‌ی مبارزه اخراج شدند، در ۹ درصد از موارد از نیروهای انتظامی برای ارباب کارگران استفاده شد، و در ۹ درصد دیگر از موارد حدود ۳۴۰ تن از کارگران دستگیر شدند. در ۲ درصد از موارد درگیری به زخمی شدن ۱۲۰ کارگر انجامید و در ۴ درصد باقی مانده، ۱۷ کارگر در جریان درگیری‌های خونین به شهادت رسیدند. این موارد منحصر به ۶ واقعه و از این قرارند: وقایع کارخانه‌های جهان چیت و بنز خاور در ۱۳۵۲، جیپ و لندرور و ایرانا در ۱۳۵۳، نساجی شاهی در ۱۳۵۴ و چیت ری در ۱۳۵۵. [...] بررسی تک‌نگاشت‌هایی که گروه‌های چپ، به‌خصوص فداییان و مجاهدین، از اعتصاب‌ها با یکدیگر هماهنگی نداشته و هر کدام به صورت جداگانه و در زمان‌های مختلف و به تفاریق انجام گرفته‌اند. در مواردی اعتصاب‌ها یک‌پارچه بوده و همه‌ی کارگران کارخانه در آن شرکت می‌کردند، ولی در مقابل در موارد متعدد اعتصاب‌ها تنها شامل بخشی از کارخانه بود و نه همه‌ی کارگران. [...] در غالب موارد، کارگران در غیرسیاسی نگهداشتن مبارزه سعی داشته‌اند. مثلاً در چند مورد که دانشجویان به یاری کارگران رفته و اعلامیه‌هایی پخش کرده‌اند، آنان را از کارخانه رانده و اعلامیه‌ها را پاره کرده‌اند. در مواردی شعار «جاوید شاه» سرمی‌دادند، حتی در جریان انقلاب، پیشتازان نفت تا آخرین روزهای مهر ماه اصرار می‌ورزیدند که اعتصاب آن‌ها کاملاً صنفی است و ابداً سیاسی نیست و با دولت و نظام سیاسی کاری ندارند. (همان: ۷-۵).

جدول ۱: روند فعالیت‌های دسته جمعی کارگران بخش صنعت و سایر رشته‌های عمده فعالیت‌های تولیدی (۵۷-۱۳۴۹)

سال	صنایع <sup>۱</sup>	سایر رشته‌ها <sup>۲</sup>	جمع
۱۳۴۹	۲	۱	۳
۱۳۵۰	۲	-	۲
۱۳۵۱	۲	۱	۳
۱۳۵۲	۲۰	۱	۲۱
۱۳۵۳	۲۴	۶	۳۰
۱۳۵۴	۲۷	۲	۲۹
۱۳۵۵	۳۵	۸	۴۳
۱۳۵۶	۱۵	۳	۱۸
۱۳۵۷ <sup>۳</sup>	۱۰	۶	۱۶
۱۳۵۸	۱۳۲	۲۸	۱۶۵

۱ برای صنایع تمام جدولها نگاه کنید به پیوست دوم.

۲ برای اجزای بخش صنایع، نگاه: جدول ۳.

۳ برای آگاهی از رشته‌های عمده فعالیت‌های تولیدی، نگاه: جدول ۳.

از دی ماه ۱۳۵۶ تا مردادماه ۱۳۵۷ پیش از مرحله اعتصابات فراگیر در مهر ماه ۱۳۵۷.

جدول ۲: روند فعالیت‌های دسته جمعی کارگران بر حسب صنایع عمده و رشته‌های دیگر فعالیت‌های تولیدی (۱۳۴۹-۱۳۵۹)

رشته های عمده	پیش از انقلاب	زمان انقلاب	پس از انقلاب
صنایع	۹۶	۱۰۹	۱۷۶
کشاورزی	۱	۶	۹
معادن	۷	۲	۲
آب و برق	۴	۱۹	۷
ساختمان	۲	۴	۴۱
ارتباطات و مخابرات	۸	۸۳	۱۵
خدمات	۲	۶	۱۳
سایر	۰	۰	۱۱
جمع	۱۲۰	۲۲۹	۲۷۴

جدول دوم

جدول ۳: فراوانی فعالیت‌های دسته جمعی کارگران بر حسب رشته‌های فعالیت صنعتی در مراحل سه گانه (۱۳۴۹-۱۳۵۹)

رشته‌های عمده صنعتی	واحد های بزرگ <sup>۱</sup>	پیش از انقلاب	زمان انقلاب	پس از انقلاب
صنایع مواد غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۱۴۵	۹	۳۰	۲۱
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۵۷	۲۹	۳۵	۳۴
صنایع چوب، کاغذ چاپ و صحافی	۳۸	۶	۷	۱۰
صنایع شیمیایی	۱۰۲	۱۰	۲۳	۲۹
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	۱۶۵	۱۲	۷	۲۹
صنایع تولید فلزات اساسی و ماشین آلات	۱۶۶	۳۰	۲۷	۵۳
جمع	۷۷۳	۹۶	۱۰۹	۱۷۶

<sup>۱</sup> واحدهای صنعتی با صد کارگر و بیش‌تر در سال ۱۳۵۷

جدول سوم

جدول ۵: فراوانی فعالیت‌های دسته جمعی کارگران بر حسب گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی در مراحل سه‌گانه (۱۳۳۱-۱۳۵۱)

رشته‌های عمده	پیش از انقلاب	زمان انقلاب	پس از انقلاب
صنایع	۱۳۷	۱۰۹	۲۲۷
کشاورزی	۱	۶	۱۱
مدان	۸	۳	۲
آب و برق	۵	۱۹	۷
ساخت‌ها	۳	۴	۴۵
ارتباطات و مخابرات	۱۰	۸۳	۱۷
خدمات	۲	۶	۱۶
سایر	۰	۰	۱۱
جمع	۱۶۵	۲۱۹	۱۶۵

جدول پنجم

جدول ۴: درصد واحدهای کارگری که دست به فعالیت‌های دسته‌جمعی زده‌اند بر حسب صنایع عمده در مراحل سه‌گانه (۱۳۴۹-۱۳۵۹)

رشته‌های عمده صنعتی	واحد‌های بزرگ	پیش از انقلاب (درصد)	زمان انقلاب (درصد)	پس از انقلاب (درصد)
صنایع مواد غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۱۴۵	۶/۲	۱۳/۸	۱۴/۵
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۱۵۷	۱۸/۵	۱۵/۹	۲۱/۶
صنایع چوبه‌کافت، چاب و مصالحی	۳۸	۱۵/۸	۱۸/۴	۲۶/۳
صنایع شیمیایی	۱۰۲	۹/۸	۲۲/۵	۲۸/۴
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	۱۶۵	۷/۳	۴/۲	۱۷/۶
صنایع تولید فلزات اساسی و ماشین‌آلات	۱۶۶	۱۸/۲	۱۶/۳	۳۲/۱
جمع	۷۷۳	۱۲/۴	۱۴/۱	۲۲/۸

جدول چهارم

جدول ۷: فراوانی انواع خواسته‌های دسته‌جمعی کارگران بر حسب صنایع و رشته‌های عمده در مراحل سه‌گانه ۱۳۴۹-۵۹

انواع خواسته‌ها	رفاه‌های مالی <sup>۱</sup> درصد	تأمین شغلی <sup>۲</sup> درصد	صنعتی-سیاسی <sup>۳</sup> درصد	جمع درصد
پیش از انقلاب				
صنایع عمده	۹۳	۳	۴	۹۳
سایر رشته‌ها	۹۷	۳	۰	۹۷
جمع	۹۳	۳	۴	۹۳
در جریان انقلاب				
صنایع عمده	۸۷	۱۰	۴	۸۷
سایر رشته‌ها	۸۸	۹	۳	۱۰۷۴
جمع	۸۸	۹	۳	۲۰۵۸
پس از انقلاب				
صنایع عمده	۵۱	۲۱	۲۸	۴۱۰
سایر رشته‌ها	۶۶	۱۸	۱۶	۲۰۷
جمع	۵۶	۲۰	۳۴	۶۱۷

<sup>۱</sup>خواسته‌های مالی و رفاهی شامل اضافه حقوق، شرکت در سود کارخانه، مزایای پرداخت مرزهای معموله، کاهش ساعات کار، و امور رفاهی در محل کار.  
<sup>۲</sup>تأمین شغلی شامل بازگشتی محل کار، بازگشت کارگران اجزایی، تأمین کار دائمی.  
<sup>۳</sup>خواسته‌های صنعتی-سیاسی شامل درخواست تشکیل شوراها، کارگری با سندیکای مستقل، برگزاری مبدوران کارخانه و یا کارگزاران که با پلیس همکاری، شرکت انجمن کارکنان، خداحافظی، کارگران زنشان.

جدول هفتم

جدول ۶: فراوانی فعالیت‌های دسته‌جمعی کارگران بر حسب رشته‌های اصلی صنایع در مراحل سه‌گانه (۱۳۴۹-۱۳۵۹)

رشته‌های عمده صنعتی	پیش از انقلاب	زمان انقلاب	پس از انقلاب
صنایع مواد غذایی، آشامیدنی‌ها و دخانیات	۱۳	۲۰	۲۹
صنایع نساجی، پوشاک و چرم	۴۰	۲۵	۴۸
صنایع چوبه‌کافت، چاب و مصالحی	۱۱	۷	۱۵
صنایع شیمیایی	۱۵	۲۳	۳۶
صنایع محصولات کانی غیر فلزی	۱۵	۷	۲۲
صنایع تولید فلزات اساسی و ماشین‌آلات	۴۳	۲۷	۷۰
جمع	۱۳۷	۱۰۹	۲۲۷

جدول ششم

**جدول ۸: فراوانی انواع تجهیزات کارگران بر حسب صنایع عمده و سایر رشته‌ها در مراحل سه‌گانه ۱۳۳۹-۱۳۵۹**

انواع تجهیز	شکایات <sup>۱</sup> درصد	اعتصاب‌ها <sup>۲</sup> درصد	تظاهرات <sup>۳</sup> درصد	مبارزه تازار <sup>۴</sup> درصد	جمع	
					درصد	شمار
پیش از انقلاب	صنایع عمده	۹	۸۵	۹	۱۰۰	۹۳۳
	سایر رشته‌ها	۰	۹۲	۴	۱۰۰	۴۸
	جمع	۸	۸۷	۵	۱۰۰	۱۶۵
در جریان انقلاب	صنایع عمده	۵	۸۱	۱۵	۱۰۰	۱۲۹
	سایر رشته‌ها	۳	۸۷	۱۰	۱۰۰	۹۴۰
	جمع	۸	۸۹	۱۳	۱۰۰	۲۲۹
پس از انقلاب	صنایع عمده	۲۵	۳۰	۳۵	۱۰۰	۲۲۷
	سایر رشته‌ها	۱۸	۳۰	۵۶	۱۰۰	۱۰۹
	جمع	۲۲	۳۰	۳۸	۱۰۰	۳۳۶

(۱) شامل ایضای عمومی، شکایات کوتاه‌مدت و بلندمدت با اکثریت  
(۲) شامل حضور در تظاهرات و خودتوزیر از نظر اعتصاب دسته و اعتصاب کامل  
(۳) شامل اعتصاب در محل کار، اعتصاب‌های غیرمستقیم و دست‌نویس  
(۴) شامل اقدامات خودتأمین مانند گروگان‌گیری، بازداشت مدیران، اغراق‌آمیز خبری، تظاهرات کورخانه و مانند آن.

**جدول هشتم**

**جدول ۱۰: فراوانی نتایج مبارزات کارگری در مراحل سه‌گانه (۱۳۳۹-۱۳۵۹)**

نتایج مبارزات	موفق درصد	ناموفق درصد	نامعلوم درصد	جمع	
				درصد	شمار
پیش از انقلاب	صنایع عمده	۵۲	۲۱	۲۷	۱۳۷
	سایر رشته‌ها	۶۴	۱۴	۲۱	۲۸
	جمع	۵۴	۲۰	۲۶	۱۶۵
در جریان انقلاب	صنایع عمده	۶۷	۱۲	۲۱	۱۰۹
	سایر رشته‌ها	۶۲	۱۰	۲۸	۱۲۰
	جمع	۶۴	۲۵	۲۴	۲۲۹
پس از انقلاب	صنایع عمده	۳۰	۲۲	۴۸	۲۲۷
	سایر رشته‌ها	۲۱	۲۳	۵۶	۱۱۲
	جمع	۲۷	۲۳	۵۰	۳۳۶

اما برای روشن شدن دلایل بی‌عملی کارگران باید به خطرانی که در کمین آن‌ها بود اشاره کرد:

۱) در دوره‌ی پیش از انقلاب که خواست‌ها رفاهی و شیوه‌ی مبارزه اعتصاب بود، کارگران غالباً با خطر اخراج روبه‌رو بودند. اخراج در این دوره یا پس از خاتمه‌ی اعتصاب صورت می‌گرفت، یا در شرایط بحرانی با تعطیل کارخانه و استخدام دوباره، یا با تعطیل کارخانه و استخدام کارگران خارجی، یا کارگران مناطق دیگر کشور. در مقابل، تاکتیک کارگران آن بود که هنگام اعتصاب سنگر تولید را، که حکم خانه و کاشانه‌شان را داشت، رها نکنند و در موارد بحرانی در کارخانه بمانند و در آن بست بنشینند تا نیروهای نظامی کارخانه را اشغال نکنند (همان: ۴۳).

۲) خطر دوم که کارگران صنعتی را تهدید می‌کرد، آشفته‌گی اوضاع اقتصادی، کمبود برق و سوخت، کمبود مواد اولیه و حتی رکود بازار فروش کالاهای صنعتی در دوره‌ی انقلاب بود که به راحتی به تعطیل یا کاهش ظرفیت کار، و مآلاً ضرر و زیان کارخانه و از میان رفتن منبع درآمد و معاش کارگران بیش از صاحبان سرمایه در فکر حفظ و نگهداری و جریان تولید در کارخانه‌ها بودند. صاحبان سرمایه، که وام‌های کلان دولتی در اختیار داشتند، غالباً کارخانه‌شان در گرو آن وام‌ها بود و در واقع به دولت و بانک‌های صنعتی تعلق داشت؛ با تعطیل شدن کارخانه آن‌ها نه تنها چیزی از دست نمی‌دادند، بلکه از شر پرداخت دستمزد کارگران و اداره‌ی پردردسر کارخانه در شرایط بحرانی و جبران ضرر و زیان آن‌ها نیز خلاص می‌شدند (همان: ۴۴).

این دو خطر پس از انقلاب و در جریان تشکیل شوراهای کارگری که عموماً در کارخانجات بزرگ متعلق به دولت تشکیل شدند، به اشکال دیگری همراه با موانع جدید تداوم یافتند (رهنما، ۲۰۱۶: سازماندهی طبقه‌ی کارگر: درس‌های گذشته و راه‌های آینده):

الف) اغلب قریب به اتفاق صنایع ایران را کارخانجات و کارگاه‌های سنتی کوچک، با یک یا چند کارگر تشکیل می‌دادند. از حدود ۲۵۰ هزار کارگاه موجود در سال ۱۳۵۵ (سال آخرین آمار صنعتی قبل از انقلاب) تنها ۵۴۳۲ واحد تحت عنوان کارگاه بزرگ (با ده نفر کارگر یا بیشتر) وجود داشت. تقریباً حدود ۷۰ درصد این صنایع به اصطلاح بزرگ کم‌تر از ۵۰ نفر کارگر و کارمند داشتند. تنها ۱۰۷ واحد صنعتی هر یک با بیش از هزار کارگر و کارمند وجود داشت. بدین سان تعداد صناعی که جمع وسیعی از کارگران را در خود جای دهند و تشکیل به اصطلاح «دژهای کارگری» را بدهند بسیار محدود بود.

ب) اکثر کارخانجات بزرگ متعلق به دولت یا تحت کنترل آن بودند. پس از انقلاب، دولت ۹۸۶ واحد صنعتی بزرگ را در مالکیت یا کنترل داشت. با آن که این رقم درصد کوچکی از کل صنایع کشور را تشکیل می‌داد اما در واقع تمامی صنایع مهم کشور را در بر می‌گرفت. اکثریت قریب به اتفاق این صنایع، که ضمناً مقرر مهم‌ترین شوراها نیز بودند، برای ادامه‌ی حیات خود به کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت اتکا داشتند. بدون چنین حمایت‌هایی صنایع مزبور بالاخص در شرایط بحران اقتصادی پس از انقلاب قادر نبودند به حیات خود ادامه دهند. در چنین شرایطی که تقریباً هیچ‌یک از صنایع بزرگ کشور بدون اتکا به دولت قادر به ادامه‌ی حیات

نبودند، شعار اصلی شوراهای این کارخانجات، یعنی کنترل کارگری و مدیریت از پایین، نمی‌توانست محقق شود. یکی از دلایل عمده‌ای که دولت موقت توانست در بسیاری موارد مدیران منتخب خود را به شوراها بقبولانند، این واقعیت بود که تقریباً هیچ‌یک از این کارخانه‌ها بدون حمایت مالی دولت قادر به ادامه‌ی تولید نبودند.

ج) اغلب صنایع بزرگ کشور در رابطه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم با شرکت‌های چندملیتی و تحت امتیاز تکنولوژی وارداتی عمل می‌کردند و عمده‌ترین آن‌ها علاوه بر توافق واگذاری حق امتیاز به شرکت‌های چند ملیتی سرمایه‌گذاری مشترک نیز با آنان داشتند. تمامی صنایع تحت حق امتیاز خارجی، چه توأم با سرمایه‌گذاری مشترک یا بدون آن، به‌شدت به واردات تکنولوژی، مواد و قطعات منفصله وابسته بودند و به‌خاطر حق استفاده از امتیاز تکنولوژی ناچار به تبعیت از شرایط و محدودیت‌های تحمیلی موجود در قراردادهای شرکت‌های چند ملیتی بودند. بدین ترتیب با توجه به اتکای شدید به تکنولوژی و مواد وارداتی و اجبار به تبعیت از محدودیت‌های منظور در قراردادهای حق امتیاز شرکت‌های چندملیتی، هدف اصلی شوراها دایر بر کنترل و توزیع نمی‌توانست محقق شود. این سخن بدان معنا نیست که شرکت‌های چندملیتی لزوماً مخالف واگذاری امتیاز به شرکت‌های تحت کنترل کارگری بودند بلکه نکته این است که به لحاظ ماهیت صنایع و اتکای شدید آن‌ها به تکنولوژی تحت کنترل شرکت‌های چندملیتی، آن نوع کنترل مستقل از سرمایه‌ی خارجی که مورد نظر شوراها و سازمان‌های چپ بود عملاً امکان‌پذیر نبود.

اما همچنان که اشاره شد، مهمترین شکل تشکلیابی کارگران در ایران بعد از انقلاب اسلامی، «شورای کارگری» بود. ویژگی‌های این شوراها بنا بر پژوهش قابل توجه سعید رهنما، به شرح زیر است (همان):

۱) شوراها تنها تشکل خاص کارگران نبودند. آن‌ها کارمندان حقوق‌بگیر صنایع از کادری تا کارمندان ارشد، سرپرستان، مهندسان و در مواردی مدیران سطوح میانی را نیز دربر می‌گرفتند. در مورد صنایع کوچک‌تر، بالاخص صنایع بخش خصوصی، شوراها عمدتاً از کارگران تشکیل می‌شدند. در بسیاری موارد کارمندان، اعضای مؤسس شوراها را تشکیل می‌دادند و در ارگان‌های مختلف شوراها حضور چشم‌گیری داشتند. برای نمونه، در هر سه کنگره‌ی اتحادیه‌ی شوراهای کارکنان صنایع وابسته به سازمان گسترش، که در هر یک متجاوز از ۳۰۰ نماینده از ۹۰ واحد از بزرگ‌ترین صنایع کشور شرکت داشتند، حدود ۴۰ درصد نمایندگان را کارمندان تشکیل می‌دادند. درصد کارمندان در ارگان‌های اداره‌کننده‌ی اتحادیه از جمله در شوراهای مرکزی ۵۵ نفره‌ی آن و بالاخص در «هیات اجرایی» ۱۶ نفره به‌مراتب بیش‌تر بود. کمیته‌های تخصصی شورای مرکزی عمدتاً از مهندسان و سایر کادری حرفه‌ای تشکیل می‌شد. ماهیت ناهمگن شوراها، این که هم تشکل کارگران و هم تشکل طبقه‌ی متوسط جدید حقوق‌بگیر بودند، جنبه‌های مثبت و منفی داشت. مزیت این امر آن بود که کارکنان حقوق‌بگیر قادر بودند توانایی‌های فنی و مدیریت، یعنی توانایی‌هایی را که کارگران فاقد آن بودند در اختیار شوراها قرار دهند و شوراها در مذاکرات‌شان با مدیریت کارخانه از این توانایی‌ها بهره‌جویند. اما



زبان‌های این ترکیب ناهمگن که از ماهیت متفاوت اعضا ناشی می‌شد، بسیار بود. گروهی از کارمندان که گرایش‌های چپ داشتند از منافع کارگران دفاع می‌کردند و گروه‌های دیگر منافع خود را در نظر داشتند.

(۲) همه‌ی شوراهای تشکلی منفرد بودند. حتی در مواردی نیز که تعدادی از شوراهای «اتحادیه‌های شورایی» تشکیل داده بودند، این اتحادیه‌ها نمی‌توانستند هم‌چون اتحادیه‌های صنعتی عمل کنند. برای مثال، شورای مرکزی کارگران و کارمندان شرکت ملی نفت ایران، اتحادیه‌ی شوراهای صنایع سازمان گسترش، اتحادیه‌ی مرکزی شوراهای کارخانجات گیلان و شورای مرکزی کارگران و کارمندان صنایع فولاد، همگی نقش چتر پوششی شوراهای منفرد خود را ایفا می‌کردند. به‌طور کلی، فقدان روابط درون‌صنعی بین شوراهای پراکنده، به این معنی بود که شوراهای نتوانند از تمامی منابعی که در اختیار داشتند، استفاده کنند و با هماهنگی به مقابله با اقدامات ضددموکراتیک و ضدشورایی بپردازند. به‌علاوه، شوراهای از یک ساخت مشخص سازمانی و اساسنامه‌ای بی‌بهره بودند. با آن‌که اغلب شوراهای اساسنامه‌ای برای خود تنظیم کرده بودند، لیکن هیچ‌گونه عضویت رسمی در شوراهای وجود نداشت. شورای کارخانه در واقع به‌مثابه نوعی تشکل همگانی یا «کارگاه بسته» عمل می‌کرد، به‌نوعی همه‌ی کارکنان کارخانه را در بر می‌گرفت، درحالی‌که درواقع هیچ عضویت تثبیت شده با پرداخت حق عضویت در کار نبود. کارکنان تنها در مجمع عمومی شورا که اعضای اداره‌کننده‌ی شورا و ارگان‌ها و کمیته‌ها آن را انتخاب می‌کردند، شرکت می‌کردند. بر این اساس، بسیاری از کارکنان به تشکل خودشان حس تعلق نداشتند و پشتیبانی آنان حالتی موقتی و مشروط داشت.

(۳) سومین و در واقع برجسته‌ترین ویژگی شوراهای مربوط به اختلافات سیاسی و ایدئولوژیک درونی آن‌ها بود. بعضی از آغاز حامی جمهوری اسلامی بودند. عده‌ای دیگر طرفدار سازمان‌های سیاسی، به‌ویژه سازمان‌های مختلف چپ بودند. تعداد بسیاری از اعضای شوراهای ارتباط مستقیم با این سازمان‌های سیاسی داشتند و سعی می‌کردند سیاست‌های این سازمان‌ها را اعمال کنند. تعداد بسیاری از اعضای رهبری شوراهای بانفوذ، از جمله شوراهای شرکت نفت، صنایع فولاد و سازمان گسترش یا مستقیماً در رابطه با سازمان‌های سیاسی بودند و یا هوادار این سازمان‌ها. اکثریت این فعالان شورایی به‌دنبال آخرین شکست جنبش شورایی در سال ۱۳۶۰ اخراج و یا زندانی شدند. بی‌تجربگی فعالان هوادار سازمان‌های سیاسی و درک نادرست‌شان از سازمان‌های دموکراتیک، سبب شد که شوراهای را به‌مثابه‌ی زائده‌ی سازمان‌های سیاسی خود درآورند. یکی از نتایج این امر آن بود که کارگران وابسته به سازمان‌های سیاسی مختلف، به‌جای همکاری، به رقابت با یکدیگر بپردازند. به‌علاوه، تبلیغات وسیع ضدکمونیستی و ضدچپ همراه با تبلیغ به طرفداری از شوراهای وابسته به دولت، شکاف وسیعی در صفوف کارگران ایجاد کرده بود. اختلافات درون سازمان‌های سیاسی که گهگاه نیز به انشعاب منجر

می‌شد، مستقیماً به درون شوراها راه می‌یافت و به مشکلات دامن می‌زد. همه‌ی این سازمان‌های سیاسی، با نظریات متفاوت خود درباره‌ی شوراها و حاکمیت بعد از انقلاب بر نحوه‌ی عملکرد شوراها اثر گذاشتند. دیدگاه‌های پوپولیستی این سازمان‌های سیاسی تأثیرات فاجعه‌باری برای شوراها به همراه داشت. تقریباً تمامی سازمان‌های چپ، با نادیده گرفتن الزامات عینی و ساختی مراحل مختلف توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی و مشکلات واقعی رشد اقتصادی، تنها بر توزیع عادلانه و تأمین نیازهای آنی طبقه‌ی کارگر تأکید می‌کردند.

### دوره نهم (۱۳۶۰-۱۳۶۹): سرکوب و تشکل‌زدایی

با انحلال شوراها، ممنوعیت فعالیت احزاب (به ویژه احزاب چپ)، دستگیری بسیاری از فعالان کارگری، و در نهایت استقرار «انجمن‌های اسلامی» در کارخانه‌ها بار دیگر دورانی شبیه به پس از سال ۱۳۳۲ بر اعتراضات کارگری سایه می‌افکند. در واقع همچنان که روند اعتراضات ماه‌های منتهی به انقلاب گواهی می‌داد، مسئله‌ای که می‌رفت در دوران پس از انقلاب هم بدل به مهمترین میانجی رویارویی کارگران با حاکمیت جدید شود، تدوین «قانون کار» بود.

این روند به تهیه پیش‌نویس قانون کار در سال ۱۳۶۰ منجر شد. وزارت کار پیش‌نویسی تهیه کرد که در روزنامه کیهان سه‌شنبه ۳۰ آذر ماه ۱۳۶۱ منتشر شد. در این متن که با عنوان «طرح پیش‌نویس قانون کار» منتشر شد، مبنای رابطه کارگر و کارفرما (یا به اصطلاح آن متن کاربر کارپذیر و صاحب کار) توافق میان طرفین تعیین شده بود. این قانون رابطه کارگر و کارفرما را همان رابطه‌ی اجیر و موجر می‌دانست که براساس احکام اولیه فقه اسلامی در چارچوب قرارداد خصوصی میان طرفین تنظیم می‌شود. در این پیش‌نویس هر نوع دخالت دولت در روابط کار و الزام یک طرف -یعنی کارفرما- را به تبعیت از شرایط قانونی، موافق موازین شرع نمی‌دانست. حقوق کارگران و ساعت‌های کار آنان در این پیش‌نویس با توافق کارفرما و کارگر تعیین شده بود. این قانون پیشنهاد احمد توکلی، وزیر کار دولت وقت و هم‌تایان مؤتلفه‌ای وی بود. تلاش ناموفق برای اعمال این قانون در واقع به سبب باور این جناح به نفوذ اندیشه‌های چپ‌گرایانه‌ی حزب توده در رویکرد نخست‌وزیری به «روابط کار» داشت. سرانجام پیش‌نویس چهارم که نام «لایحه‌ی کار» را بر خود داشت در مجلس تصویب شد اما شورای نگهبان آن را غیراسلامی تشخیص داد و از تأیید آن امتناع کرد. پس از تشکیل مجمع تشخیص مصلحت، بررسی و تصویب قانون کار به آن سپرده شد و این اولین دستور کار مجمع تشخیص مصلحت بود. پس از این لایحه کار مدت نزدیک به ۱۶ ماه در کمیسیون کار و امور اداری و استخدامی مجلس بررسی شد و تغییراتی در آن به نفع کارگران داده شد. گزارش کمیسیون در شهریور ۱۳۶۵ به مجلس ارائه شد و کلیات آن در مهرماه به تصویب مجلس رسید. پس از آن، یک سال دیگر در کمیسیون یاد شده به عنوان کمیسیون اصلی و چند کمیسیون فرعی بررسی شد و سرانجام، برای شور دوم به مجلس فرستاده شد. مجلس طی ۱۶ جلسه درباره لایحه کار بحث کرد و در ۲۸ آبان ۱۳۶۶ آن را تصویب و برای اظهارنظر به شورای نگهبان فرستاد. شورای

نگهبان ایرادهای بسیاری بر متن مصوب مجلس وارد کرده بود. اصلی‌ترین ایراد شورای نگهبان به ماده یک این قانون بود که کلیه کارفرمایان، کارگران، کارگاه‌های مؤسسات تولیدی، صنعتی، خدماتی و کشاورزی را که به هر نحو از امکانات دولتی مثل ارز، انرژی، مواد اولیه و اعتبارات بانکی استفاده می‌نمایند به تبعیت از این قانون مجبور می‌کرد. با آغاز دوره سوم مجلس و پیگیری دوباره موضوع، در آخر آذرماه ۱۳۶۷ قانون کار در مجمع مطرح شد. ولی مجمع با ذکر این نکته که «لایحه مذکور مراحل مقرر در ماده ۱۰ آئین‌نامه داخلی مجمع را طی نکرده است و نیز با توجه به اظهارات بعضی از فقهای شورای نگهبان مبنی بر قابل رفع بودن بسیاری از ایرادات در مجلس...» مصوبه را به مجلس برگرداند. از این زمان تا تصویب نهایی قانون کار در آبان سال ۶۹، این طرح بارها مورد بحث و بررسی شورای نگهبان و مجلس و ... قرار گرفت و سرانجام، به مجمع مجلس تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد. طی سال ۱۳۶۹ و تا پایان آبان ماه آن سال، مصوبه طی جلسه‌های متعدد در مجمع بررسی شد و مشتمل بر ۲۰۳ ماده و ۱۲۱ تبصره در ۲۹ آبان ۱۳۶۹ به تصویب نهایی مجمع رسید. بدین ترتیب قانون کار پس از انتشار در روزنامه رسمی مورخ ۲۸ بهمن ماه از تاریخ ۱۴ اسفند ۱۳۶۹ لازم‌الاجرا شد (صفرزاده، «تاریخچه قانون کار در ایران»).

با وجود آنکه از پیش از انقلاب سندیکاهای کارگری بسیاری وجود داشتند و در اوایل انقلاب هم در بسیاری از کارخانه‌ها و مجتمع‌های تولیدی کارگران اقدام به تشکیل شورا و اتحادیه کرده بودند، اما تمامی این تلاش‌ها تحت تأثیر جو سیاسی و ملتهب سه ساله‌ی ۱۳۵۷-۱۳۶۰ و سراسر دهه‌ی ۱۳۶۰ منحل و غیرقانونی اعلام شدند. همچنان که در بالا ذکر شد، این وضعیت هم‌زمان با ارائه لوایح قانون کار جدید و تصویب «قانون شوراهای اسلامی کار» بود. با تصویب این قانون، شوراهای اسلامی کار جایگزین سندیکاهای پیشین شد و این شوراهای منحصراً تنها تشکل رسمی در دهه‌ی شصت تا تصویب قانون کار جدید در سال ۱۳۶۹ بودند. در تبصره‌ی چهارم از ماده‌ی ۱۳۱ این قانون تصویب شده است که «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند». بنابراین به صورت کلی این قانون مخالف تشکیل آزادانه‌ی سازمان‌های کارگری است و فقط انواع خاص و پیش‌بینی شده‌ای از این سازمان‌ها را با قوانین، اساسنامه‌ها و شرایط عضویت و انتخاب خاص برمی‌تابد (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۳۸-۳۹).

در متن قانون کار سال ۱۳۶۹ کلمه‌ی «اعتراض» یا واژگان و اصطلاحاتی نظیر «اعتصاب»، «تجمع»، «دست کشیدن از کار»، «تحصن» و نظایر آن‌ها -به طریق اولی- نیامده است. تنها جایی که با تفسیر تأویل می‌توان گفت قانون‌گذار به تلویح برای کارگران حق استفاده از اهرم‌های فشار جمعی را به منظور دستیابی به حقوق پیش‌بینی کرده است، به ماده‌ی ۱۴۲ فصل مذاکرات و پیمان‌های دسته‌جمعی بازمی‌گردد. در این ماده آمده است: «در صورتی که اختلاف‌نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمان‌های قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیئت تشخیص موظف است بر اساس درخواست هر یک از

طرفین اختلاف و یا سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید.» بنابراین به نظر می‌رسد اعتصاب، تجمع، تحصن و یا کلاً اعتراض کارگری ذیل عنوان مبهم «تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه» و «کاهش عمدی تولید از سوی کارگران» به تفسیری سلیبی از منظر قانون‌گذار پذیرفته شده است و بنابراین غیرقانونی تلقی نمی‌شود (همان: ۷۳).

همچنان که دیگر پژوهشگران حوزه‌ی «روابط کار» هم اذعان داشته‌اند (نک: خیراللهی، ۱۳۹۷: ۷۴) برای بررسی میزان شیوع «تجمعات اعتراضی» کارگران ایران و نسبت دلایل مختلف بروز آن‌ها، آمار مدونی به صورت رسمی و قابل دسترس اساساً وجود ندارد و تنها می‌توان با اتکا به آرشیو روزنامه‌ها، سایت‌های خبری و یا اظهارات شفاهی افراد به اعدادی رسید و درباره کیفیت آن‌ها به گمانه‌زنی پرداخت. به این اعتبار از مجموع اعتراضات کارگری در دهه‌ی شصت و هفتاد اطلاعات بسیار کمی در دست است. با این حال در زیر به چند مورد از اعتراضات و تشکلیابی‌ها مستقل اشاره می‌کنیم:

#### - **تشکلیابی اتحادیه‌ی صنعتگر سندج در اردیبهشت ۱۳۶۵ و سرنوشت آن:** از اواسط

سال ۱۳۶۴ به سبب بسیاری از گرفتاری‌های معیشتی-کاری کارگران سندج، ایده‌ی تشکیل اتحادیه با استقبال آنان مواجه می‌شد. اواخر اردیبهشت ۱۳۶۵ با موافقت تعداد قابل توجهی از کارگران، آنان تصمیم به علنی کردن ایده‌شان می‌گیرند. از آنجا که بیشتر کارگرانی که در آغاز دور هم جمع شده بودند از تعمیرکاران اتوموبیل بودند، نام دفتر نمایندگی تعمیرکاران اتوموبیل برای تشکلیابی مربوطه انتخاب گردید و قرار شد با اداره‌ی کار وارد گفتگو شود. در این راستا اعضای اتحادیه‌های کارگری خیاطان و خبازان شهر به این کارگران کمک کردند. سرانجام پس از مانع‌تراشی‌های بسیار، اداره‌ی کار اجازه تشکیل چنین تشکلی را به کارگران می‌دهد، منتهی حاضر نمی‌شود تا کاغذی به عنوان تأییدیه‌ی رسمی اداره کار صادر شود. به تدریج کارگران از رشته‌های مختلف به اتحادیه می‌پیوستند. اولین صنفی که به فراخوان وارد شدن در اتحادیه، پاسخ دادند، نجارها بودند. آن‌ها تا قبل از آن در چندین مجمع عمومی خودشان تصمیم‌شان را برای ایجاد یک اتحادیه ابراز کرده بودند، اما اداره‌ی کار در کارشان اشکال تراشی کرده بود. بعد از آن‌ها جوشکاران، فلزکاران، آلومینیوم‌کاران، نقاشان اتوموبیل، و بافنده‌ها هم به اتحادیه پیوستند و به این ترتیب با گذشت نزدیک به ۲ ماه از تشکیل اتحادیه جمعیت آن به ۲۵۰ نفر رسید. موضوعاتی که اتحادیه در دستور کار خود برای رسیدگی قرار داد به این شرح بودند:

- وضعیت کارگاه‌های کوچک؛
- بیمه؛
- سوادآموزی؛
- ایجاد شرکت تعاونی برای کارگران.

اما به سبب عدم موفقیت اتحادیه در ایجاد «صندوق مالی»، «ایجاد تعاونی» و همچنین «دستگیری فعالان اتحادیه» توسط حکومت، نتوانست جا پای محکمی در میان کارگران برای خود ایجاد کند و در نهایت در اوایل سال ۱۳۶۷ کار آن خاتمه یافت (نک به: عزیزی و فلاحی، ۲۰۱۷).

- **اعتراض کارگران ایران خودرو در فروردین ۱۳۶۵:** در یکی از روزهای فروردین سال ۱۳۶۵، حدود ۵۰۰۰ کارگر شرکت ایران خودرو برای ساعات متوالی مبادرت به اعتصاب کردند و دست از کار کشیدند. اعتراض این کارگران به سازوکار تفتیش بدنی توسط حراست کارخانه بود که به خاطر جلوگیری از ورود اعلامیه به داخل کارخانه صورت می‌گرفت. اعتراض با دخالت نیروهای امنیتی خاتمه می‌یابد و مطالبه‌ی کارگران به جایی نمی‌رسد.

- **اعتراض کارگران کارخانه پلی‌اکریل اصفهان در اردیبهشت ۱۳۶۵:** این کارگران به دلیل سروکار داشتن با مواد شیمیایی، در معرض سموم مختلفی قرار داشتند که استعداد ابتلا به سرطان را در میان آنان بالا می‌برد. در این شرایط کارگران خواهان ایمنی محیط کار خویش و همچنین بازگشت پزشک اخراجی کارخانه شدند. اعتصاب یک هفته طول کشید و سرانجام کارفرما با پذیرش بخشی از مطالبات کارگران به اعتصاب آنان خاتمه داد.

- **اعتراض کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران در خرداد ۱۳۶۵:** در اوایل سال ۱۳۶۵ بخشنامه‌ای صادر شد که مطابق با آن می‌بایست ۲۰ درصد کل رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه روانه‌ی میدان‌های جنگ شوند. کارگران نسبت به چنین بخش‌نامه‌ای اعتراضات متعددی کردند و سرانجام حکومت از آن عقب‌نشینی کرد.

- **اعتصاب کارگران کوره‌پزخانه‌های همدان در تیر ۱۳۶۵:** این کارگران که از مدت‌ها پیش خواهان افزایش دستمزدهای‌شان بودند، در تیر ماه به مدت ۸ روز دست به اعتصاب زدند. اعتصاب با موافقت با افزایش ۴ درصدی دستمزدها پایان یافت.

- **اعتراض کارگران کارخانه سیمان تهران در تیر ۱۳۶۵:** اعتراض کارگران به نمایی بودن «شورای اسلامی کارگران» بود. آنان در اعتراض، اقدام به تحریم انتخابات شورا در تیر ماه ۱۳۶۵ کردند.

- **اعتراض کارگران کارخانه چیت ری در مهر ۱۳۶۵:** کارگران در اعتراض به لغو تعطیلی‌های پنجشنبه دست به اعتراض زدند. در نهایت به واسطه‌ی اعتراض نزدیک به ۲۰۰۰ کارگر، شورای اسلامی کارخانه منحل گردید.

- **اعتصاب کارگران کارخانه کفش ملی در خرداد ۱۳۶۶:** نزدیک به ۱۲۰۰۰ کارگر ناراضی کارخانه در اعتراض به عدم اجرایی شدن طرح طبقه‌بندی مشاغل که به خاطر آن کارفرما مبادرت به افزایش ساعت کار کرده بود، دست به اعتصاب زدند. اعتراض با فشارهای امنیتی و اختلاف میان کارگران بدون حصول نتیجه‌ای پایان یافت و پس از آن بسیاری از کارگران دستگیر و اخراج شدند.

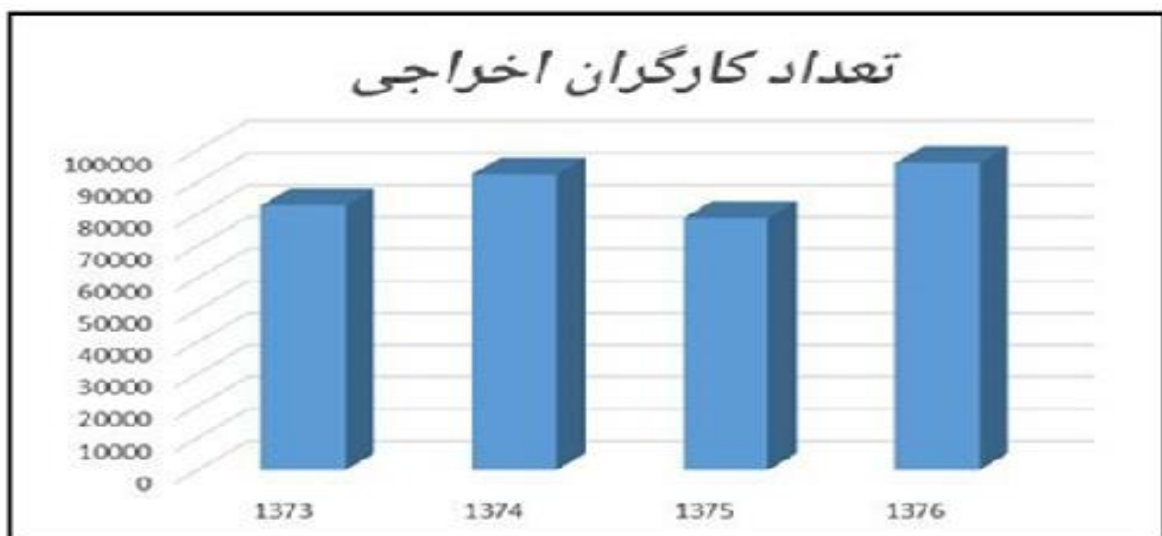
- **اعتراض کارگران کارخانه نی‌شکر هفت‌تپه خوزستان در تیر ۱۳۶۶:** حدود ۴۰۰۰ کارگر این کارخانه با لیست کردن مطالبات‌شان اعلام اعتصاب نمودند. از جمله‌ی این خواست‌ها می‌توان موارد زیر را نام برد:

- پرداخت غرامت کار در منطقه‌ی جنگی و شرایط سخت؛
- تبدیل قراردادهای موقت به ثابت و یا دراز مدت؛
- عزل مدیریت کارخانه به خاطر رفتار خصمانه با کارگران.

اعتراض به خاطر مداومت کارگران با مداخله‌ی نیروهای امنیتی روبه‌رو شد و به سبب واقع شدن آن در منطقه‌ی جنگی با بیشترین حد سرکوب مورد برخورد واقع شد و مطالبات کارگران به‌جایی نرسید.

#### دوره دهم (۱۳۶۹-۱۳۸۰): خارج از محدوده

طی دهه‌ی ۱۳۷۰ اخراج کارگران سیر صعودی داشت. موج بیکارسازی‌های در سال‌های ۷۱ و ۷۲ به اوج خود رسید. به گفته پرویز احمدی -رئیس وقت هیئت مدیره شوراهای اسلامی استان تهران- تعداد اخراج کارگران در سال‌های ۷۳، ۷۴، ۷۵ و ۷۶ به ترتیب ۸۲۷۲۱، ۹۲۴۹۷، ۷۸۸۸۸ و ۹۶۰۰۰ نفر بوده است (روزنامه «کار و کارگر»، ۱۱ بهمن ۱۳۷۷).



این در حالی است که در بنگاه‌های تولیدی حتی به قانون «شوراهای اسلامی کار» هم وقعی گذاشته نمی‌شد:

«به گفته شاکری، عضو شورای اسلامی استان لرستان "به دلیل عدم موافقت مدیران بیش از نیمی از کارگران واحدهای تولیدی استان لرستان فاقد شورای اسلامی کار هستند"» (روزنامه «کار و کارگر»، ۲۸ بهمن ۱۳۷۶).

در چنین اوضاع و احوالی وزارت کار در تاریخ ۱۳۷۳/۱۲/۱۵ بخش‌نامه‌ای صادر کرد که طبق آن استخدام موقت کارگران جنبه قانونی و رسمی پیدا کرد، و از آن موقع تا به اکنون به جایی رسیده‌ایم که بنا به گفته‌ی علی اصلانی -عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار- «از ۱۳ میلیون کارگر شاغل در کشور، ۱۱ میلیون نفر دارای قرارداد موقت هستند» (خبرگزاری [www.isna.ir](http://www.isna.ir)، کد خبر: ۹۶۱۱۰۸۰۴۶۹۲، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۱۱/۹) و بنا به گفته‌ی مصطفی ظریفی‌آزاد -مدیر کل روابط کار وزارت کار- نزدیک به ۹۴ درصد قراردادهای «موقت» هستند (خبرگزاری [www.yjc.ir](http://www.yjc.ir)، کد خبر: ۶۲۱۶۸۹۵، تاریخ انتشار: ۱۳۹۶/۶/۲).

- **شورش‌های اسلام‌شهر در فروردین ۱۳۷۴:** اولین گزارش رسمی که از یک اعتراض کارگری جدی پس از پایان جنگ داریم، به اعتراض رانندگان مینی‌بوس اسلام‌شهر در پانزدهم فروردین سال ۱۳۷۴ برای اعتراض به وضعیت دستمزدهای‌شان دست به اعتصاب زدند. فقدان وسیله نقلیه عمومی برای رفتن به سر کار مورد اعتراض عده‌ای از مردم جنوب غرب تهران، در اکبرآباد و اسلام‌شهر قرار گرفت اما نارضایتی‌های موجود درباره کمبود بنزین و افزایش ۳۰ درصدی کرایه حمل و نقل باعث شد طی چند ساعت تظاهرات بزرگی با حضور هزاران تن به پا شود که دامنه آن به رباط کریم، سلطان‌آباد و صالح‌آباد نیز رسید. سیل جمعیت در برخی از بخش‌های شهر و به خصوص در مسیر حرکت به سمت تهران اقدام به تخریب ساختمان‌های دولتی و زد و خورد با نیروهای بسیج و سپاه کردند و موفق شدند جاده تهران - ساوه را مسدود کنند.

اما این وضعیت دیری نپایید و قرارگاه ثارالله در اولین عملیات خود از زمان تشکیل آن در همان سال، به عنوان مسئول حفظ امنیت پایتخت، معترضان خشمگین را در ورودی تهران و در منطقه چهاردانگه، زیر آتش سنگین نیروهای ویژه قرار داد.

- **شکل‌گیری شورای کارگران نفت تهران در ۱۳۶۹ و اعتراض بزرگ آنان در تابستان ۱۳۷۵:** دومین اعتراض قابل توجه اعتراض کارکنان شرکت نفت بود که پس از اعتراض معروف تابستان ۱۳۵۷ که نقش چشمگیری در سرنگونی رژیم وقت داشت، بار دیگر در سال ۱۳۷۵ دست به اعتصاب بزرگی زدند و در جریان این اعتصاب نمایندگان خود را از چند شهر انتخاب کردند و علاوه بر خواسته‌های رفاهی، تقاضا برای تشکیل‌های مستقل کارگری را نیز در آن مطرح کردند. این اعتصاب شدیداً سرکوب شد اما از آنجا که کارگران نفت به دلیل کلیدی بودن این صنعت و همچنین داشتن

تاریخچه طولانی مبارزات کارگری، به طور سنتی تأثیر بزرگی بر روی سایر بخش‌های کارگری داشتند، این اعتصاب بسیاری از کارگران را با ایده ایجاد تشکل‌های کارگری آشنا ساخت.

یدالله خسروشاهی (کارگر و همچنین از رهبران مبارزات کارگران نفت در پیش و پس از انقلاب) در مصاحبه‌های مفصلی که به ذکر تاریخ شفاهی مبارزات این کارگران پرداخته است، به زمینه‌های این اعتراض گسترده از اواخر سال ۱۳۶۹ تا نقطه‌ی اوج سال ۱۳۷۵ اشاره کرده است. به سبب اهمیت این اعتراض در تاریخ اعتراضات کارگران ایران بعد از انقلاب و تأثیری که بر جریان‌های اعتراضی کارگری پس از خود (به ویژه آغاز دهه‌ی هشتاد و شکل‌گیری «هیأت بازگشایی و تأسیس سندیکا‌های کارگری») گذاشت، بخشی از مصاحبه‌ی خسروشاهی را از نظر خواهیم گذراند:

«... در سال‌های ۷۰-۱۳۶۹ حرکت‌هایی انجام گرفت که به دنبال آن ۲۰۰۰ تومان به حقوق‌ها اضافه شد. در سال ۱۳۷۲ بچه‌ها در اکثر پالایشگاه‌ها -در شیراز، اصفهان، تهران و تبریز- مدت یک ماه و اندی یک وعده غذای سر کارشان را به عنوان اعتراض نمی‌خوردند. بعد از آن هم چند روزی دست از کار کشیدند ... آرام آرام از سال ۱۳۷۱ زمزمه‌هایی جهت تشکیل شورای کارگری به گوش می‌رسید ... تا سال ۱۳۷۵ که این زمزمه‌ها شکل قطعی و مادی به خود گرفت. در این سال دور هم به صورت علنی جمع شدیم و آشکارا انتخاباتی برای تشکیل شورا برپا کردیم. بنابراین جمع شدن بچه‌ها در سال ۱۳۷۵ برمی‌گردد به همان زمزمه‌های سال‌های ۷۲-۷۱. ... یکی از خواسته‌های کارگران در سال ۱۳۷۵ مربوط به طرح طبقه‌بندی مشاغل بود. طرح طبقه‌بندی مشاغل قبلاً تصویب شده بود. هر سال هم بودجه برایش تعیین می‌شد ولی به کارکنان چیزی نمی‌دادند. این مسئله برای بچه‌ها سؤال شده بود که این بودجه نصیب چه کسانی می‌شود. کم‌کم زمینه‌هایی به‌وجود آمد و شعارهایی روی در و دیوار نوشته شد. حتی نوشته می‌شد برای اعتراض، فلان روز نهار خورده نشود. تا اینکه در مرداد ۱۳۷۵ عده زیادی از کارکنان پالایشگاه تهران و کارگران قسمت‌های دیگر نفت تهران -خطوط لوله، پخش، تأسیسات و غیره- اول جلوی خانه کارگر جمع شدند و بعد به طرف اداره‌ی مرکزی راهپیمایی کردند. در آن‌جا آقازاده (وزیر نفت)، معاونش علی هاشمی و دیگر آقایان آمدند و صحبت کردند که به ما یک فرصتی بدهید. اما آن مدتی که خودشان مهلت خواسته بودند تمام شد و آن‌ها هیچ کاری نکردند. بعد از آن بچه‌ها تصمیم گرفتند تشکل خودشان را درست کنند. نام آن هم «شورای کارگران پالایشگاه تهران» بود» (کتاب پژوهش کارگری، شماره ۵، ۲۰۰۱: ۲۱-۲۳).

انتخابات بعد از کارشکنی‌هایی در «خانه کارگر» برگزار می‌شود و از میان کسانی که کاندید شدند، ۵ نفر به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند. از کل صنایع نفت هم ۲۰ نفر به عنوان نماینده انتخاب می‌شوند و در وهله‌ی اول همه‌ی آن ۵ نفر مورد تأیید وزارت کار هم قرار می‌گیرند اما حراست وزارت نفت



نه تنها آن‌ها را تأیید نمی‌کند، بلکه تحت فشارشان هم قرار می‌دهد تا استعفا دهند. بار دیگر بنا می‌شود انتخابات تجدید شود. در جلسه‌ای که در رستوران پالایشگاه تهران برگزار می‌شود و نمایندگان از حراست کل تا وزارت کار حضور دارند، کارگران با مشاهده‌ی اینکه بناست نمایندگان را به ایشان تحمیل کنند، جلسه را بهم می‌ریزند. سرانجام در روز ۲۸ بهمن ۱۳۷۵ در حالی که کارگران از پیش توافق کرده بودند برای اعتراض جلوی اداره مرکزی نفت واقع در خیابان طالقانی بروند و بسیاری از کارگران از شهرستان آمده بودند، تجمعی با حضور نزدیک به ۲۰۰۰ نفر شکل می‌گیرد. وزیر، این بار تجمع‌کنندگان را به رسمیت نمی‌شناسد و در برای پاسخ‌گویی در برابرشان حاضر نمی‌شود و سرانجام با دخالت نیرو انتظامی و ... کار به ضرب و شتم معترضان می‌کشد (نک به: همان: ۲۴-۲۶).

در همین دوران است که کمیته‌هایی برای حمایت از ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری به وجود آمد و بحث ضرورت به وجود آمدن تشکل‌های مستقلی که بتوانند از خواسته‌های کارگران دفاع کنند، در بعضی از مطبوعات کارگری نیز مطرح شد.

- **دیگر اعتراضات کارگری شناخته شده‌ی دهه‌ی ۱۳۷۰:** از جمله اعتراضات شناخته شده‌ی دهه‌ی ۷۰ (به ویژه در نیمه‌ی دوم سال) می‌توان به این موارد اشاره کرد:

**\* راهپیمایی کارگران کارخانجات مختلف در کاشان بر علیه طرح فروش بیمارستان ۴۲۰ تخت‌خوابی سازمان تأمین اجتماعی.**

**\* اعتراض ۲۵۰۰ کارگر نساجی قائم شهر مازندران که به گروگان گرفتن مدیر کارخانه می‌انجامد و در نهایت سپاه پاسدارن کارخانه را به محاصره خود درمی‌آورد (۱۳۷۸).**

**\* اعتصاب کارگران فرش مازندران علیه اخراج ۲۶۰ کارگر این کارخانه.**

**\* اعتصاب کارگران کارخانه ارج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد، پاداش و عیدی.**

**\* تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان در کارگاه مرکزی علیه خصوصی کردن بیمارستان شرکت نفت.**

**\* اعتراض کارگران نازپوش انزلی و مسدود نمودن پل اصلی غازیان.**

**\* اعتراض کارکنان شرکت ملی حفاری ایران (۱۳۷۹).**

**\*اجتماع کارگران کفش ملی در اعتراض به سوء مدیریت و عدم دریافت حقوق و مزایا (۱۳۷۹).**

**\*اعتصاب و اعتراض چندین روزهی کارگران شرکت علاءالدین (۱۳۷۹).**

**\*اعتراض کارگران کارخانه سیمین اصفهان (اسفند ۱۳۷۹).**

**دوره یازدهم (۱۳۸۰-۱۳۸۹): احیا**

بر اساس داده‌های یک گزارش استثنایی در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، طی بهمن و اسفند سال ۱۳۸۰ در کل کارگاه‌های کشور به ترتیب ۴۸ و ۴۳ «تحرک کارگری» رخ داده است. در این گزارش مشخص شده است که تعداد تحرکات کارگری به اندازه‌ی بنگاه رابطه‌ی مستقیم دارد و بیش‌ترین تحرکات کارگری در کارگاه‌هایی بوده است که بیش از صد نفر «کارکن» داشته‌اند. همچنین این گزارش مشخص می‌کند که اصلی‌ترین علت بروز ناآرامی‌های کارگری در این مقطع زمانی «عدم پرداخت حقوق و مزایا» بوده است. در میان اشکال مختلف «بحران‌های کارگری» (به تعبیر نویسنده‌ی گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) «تجمع» بیش‌ترین فراوانی را داشته و «اعتصاب» و «درگیری» و «اعتراض» به ترتیب در رده‌های بعدی بوده‌اند (خیراللهی، ۱۳۹۷: ۷۵).

مالجو در مقاله‌ای مستند به آمار این گزارش، با بررسی شاخص‌های کلان اقتصادی و رسیدن به این نتیجه که اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۰ در بهترین شرایط نسبت به این نتیجه که اوضاع اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۰ در بهترین شرایط نسبت به قبل و بعد از آن بوده است، چنین استدلال می‌کند: «تحرکات کارگری در این دو ماه سرشتی عمیقاً تدافعی داشت، یعنی [کارگران] در بهترین حالت فقط در پی دریافت حقوق معوقه یا مطالباتی حداقلی از این نوع بود[ند] و نه تحقق مطالبات بنیادی‌تری که شرایط زندگی و کاری کارگران را به طور ریشه‌ای دگرگون سازد» (همان).

موارد مهم اعتراض کارگران:

**- اعتصاب خونین کارگران مس خاتون‌آباد کرمان در زمستان ۱۳۸۲:** در زمستان سال

۱۳۸۲، کارگران ساختمانی در اعتصاب و تحصن در کارخانه ذوب مس در نزدیکی روستای خاتون‌آباد استان کرمان شرکت کردند. این کارخانه متعلق به صنایع ملی مس ایران بود که توسط یک پیمانکار چینی اداره می‌شد. شکایت کارگران ساختمانی در مورد وعده انجام نشده کارخانه در مورد استخدام آنها پس از تکمیل ساختمان کارخانه بود. خانواده‌های کارگران به تحصن پیوستند. در روز هشتم اعتصاب و تحصن، نیروهای امنیتی به اعتصاب‌کنندگان و خانواده‌های متحصن آنها در کارخانه حمله کردند. در

این حمله و درگیری‌های متعاقب آن، چهار کارگر به ضرب گلوله کشته شدند، ۳۰۰ تن زخمی، و بسیاری بازداشت شدند. این اعتراضات در اذهان عمومی کارگران به «قیام خاتون آباد» شهره گشت.

#### - شکل‌گیری هیأت مؤسس و بازگشایی سندیکاهای کارگری و سرنوشت آن در

**اردیبهشت ۱۳۸۱:** اما اوضاع و احوال اعتراضات کارگری در ادامه چهره‌ی دیگری به خود می‌گیرد. در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۱ در جریان تدارک مراسمی برای روز جهانی کارگر از سوی عده‌ای از فعالان کارگری در تهران، صدها تن در قالب قطعنامه‌ای اعلام می‌دارند که «خواهان رفع ممنوعیت از فعالیت سندیکاهایی که سابقه‌ی روشن و درخشان چندین ساله از مبارزات صنفی و دفاع از حقوق کارگران را داشته و به صورت غیرقانونی از فعالیت منع گردیده‌اند» هستند. به این ترتیب «هیأت‌های مؤسس انجمن‌ها و سندیکاهای کارگری» پایه گذاری شدند. پس از این اعضای هیأت مؤسس کوشیدند با انتشار نامه‌ای سرگشاده به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲ خطاب به وزیر کار وقت (صفدر حسینی) بر ضرورت به رسمیت شناختن سندیکاهای کارگری مبتنی بر التزام کلیه‌ی دولت‌ها به دو مقاله‌نامه‌ی ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار (در ارتباط با آزادی تشکل‌های کارگری) هرچه بیشتر زمینه‌های قانونی فعالیت سندیکاهای کارگری را فراهم کنند. در این بین «حزب اسلامی کار» و «خانه‌ی کارگر» به مخالفت‌های جدی با باز شدن امکان فعالیت برای «هیأت مؤسس» و سندیکاهای کارگری پرداختند و سعی کردند به کارشکنی و اتهام‌زنی نسبت به ایشان در مطبوعات خویشتن بپردازند. با این وجود اما هیأت بازگشایی متکی به محدود امکاناتی که در اختیار داشت اقدام به برگزاری کلاس‌های متعدد آموزشی برای کارگران می‌کرد و از خلال همین آموزش‌ها هسته‌های اولیه‌ی بازگشایی سندیکاهای قدیمی‌ای چون «شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه»، «کارگران نقاش ساختمانی»، «فلزکار و مکانیک»، «کارگران خیاط» و «کفاشان تهران» شکل گرفتند.

با انتشار یک قطعنامه دیگر در روز کارگر ۱۳۸۳ و تأکید دوباره بر «حق تشکل مستقل کارگری» مبتنی بر مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و نیز قانون اساسی کشور، و نیز انتشار نامه‌ی سرگشاده‌ی دیگری به وزیر کار وقت (خالقی) به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۳ خواست تشکل مستقل کارگری عینیت بیشتری به خود گرفت و اعضای «هیأت مؤسس» نشان دادند که در این راه ثابت قدم‌اند.

#### - شکل‌گیری سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سرنوشت آن در

**۱۳۸۳:** همچنان که گفته شد به مرور از دل این هیأت، هسته‌های سندیکاهای مختلف شروع به کار کردند. مهمترین و مؤثرترین تلاش‌ها مربوط به «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه» بود که از اواخر ۱۳۸۳ حسینی‌ای را در محل انجمن صنفی خبازان واقع در میدان حسن‌آباد در

اختیار گرفته و اقدام به برگزاری کلاس‌های آموزشی می‌کردند. پس از ماه‌ها فعالیت مستمر و ارتباط چهره به چهره، تعداد زیادی از رانندگان درخواست تشکیل سندیکا کردند. سرانجام در نیمه‌ی اول سال ۱۳۸۴ امضاهای بسیاری از کارگران جمع‌آوری و به اداره‌ی کار تسلیم شد. جدی شدن مساله تشکیل سندیکا، باعث شد خانه‌ی کارگر و شوراهای اسلامی، مخالفت جدی و علنی خود را با این فعالیت نشان داده و به صورت عملی مانع فعالیت این سندیکا شدند که به درگیری‌هایی میان کارگران طرفدار سندیکا و این نهادها انجامید. پس از کش و قوس‌های فراوان، پافشاری و اصرار رانندگان باعث شد که با دستور شورای تأمین استان، شرایط برای انجام انتخابات فراهم شود و سرانجام با رأی کارگران ۱۹ نفر به عنوان هیأت مدیره و ۲ نفر به عنوان بازرس انتخاب شدند. عدم رسیدگی به خواسته‌های کارگران سبب شد که آنان برای دستیابی به خواسته‌ها و حل مشکلاتشان به اعتصاب متوسل شوند. اولین اعتراض روشن کردن چراغ‌های اتوبوس‌ها در تاریخ ۱۶ مهر ۸۴ بود. در جریان این حرکت، در روزی آفتابی چراغ‌های تعداد زیادی از اتوبوس‌های شرکت واحد در سطح تهران روشن شد که در جامعه بازتاب داشت و چند نفر از اعضای هیأت مدیره در همان روز در دفتر رئیس‌جمهوری حاضر شدند و مشکلات رانندگان را مطرح کردند. بی‌توجهی به این خواسته‌ها و اعتراض رانندگان، دومین اعتراض با فاصله‌ی پانزده روز به شکل نگرفتن بلیط از شهروندان شکل گرفت.

- **تجمع معلمان در اسفند ۱۳۸۵:** در این بین پس از سال‌ها معلمان به جرگه‌ی اعتراضات کارگری می‌پیوندند و در جریان تجمعی به تاریخ ۲۳ اسفند سال ۱۳۸۵ در برابر مجلس برای اعتراض به وضعیت حقوق و مزایای خویش، بیش از ۴۰۰ نفر از ایشان دستگیر می‌شوند که دست‌کم ۹ نفر از بازداشت‌شدگان تا نوروز ۱۳۸۶ در زندان می‌مانند.

- **اعتراضات کارگران نی‌شکر هفت‌تپه و شکل‌گیری سندیکای کارگران نی‌شکر هفت‌تپه:** کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، حرکت‌های اعتراضی خود را طی سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵، با شعار «ما کارگر هفت‌تپه‌ایم، گرسنه‌ایم، گرسنه‌ایم» آغاز کردند. نخستین دلیل اعتراض کارگران، عدم دریافت دستمزد به مدت سه ماه متوالی بود. اما در ماه‌های فروردین، خرداد، شهریور، مهر و اسفند سال ۱۳۸۶، این اعتصاب‌ها و حرکت‌های اعتراضی به اشکال گوناگون، همچون بست‌نشستن در کارخانه، تحصن در مقابل اماکن دولتی از جمله استانداری، راهپیمایی در نقاط مختلف شهر، بستن جاده اندیمشک به اهواز، نمایان شد. در واکنش به خبر فروش هزار هکتار از ۱۲ هزار هکتار اراضی کشاورزی این کارخانه، در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۷؛ کارگران کارخانه نیشکر هفت‌تپه با انتشار این خواسته‌ها به اعتراضات خویش ادامه دادند:

- پرداخت سه ماه دستمزد عقب افتاده؛

- پایان دادن به پرونده‌سازی‌های دروغین و پایان دادن احضار فعالان کارگری به دادگاه؛

- برکناری مدیر عامل و اعضای هیئت مدیره شرکت؛

- برکناری رئیس حفاظت؛

- ایجاد سندیکای مستقل کارگری.

در آبان‌ماه ۱۳۸۶، حدود ۲۵۰۰ نفر از کارگران نیشکر هفت‌تپه در نامه‌ای به مدیر کل کار استان خوزستان خواستار بازگشایی سندیکای خود شدند که پیش‌تر در سال ۱۳۵۳ تأسیس شده بود. این مسئله در شورای تأمین استان خوزستان به‌عنوان مسئله‌ای امنیتی بررسی شد و کسانی که نامه را تحت عنوان هیئت بازگشایی سندیکا امضاء کرده بودند، بازداشت شدند.

با این وجود، هیئت بازگشایی این سندیکا در اردیبهشت ۱۳۸۷ به صورت علنی اعلام موجودیت نمود. در صبح ۱ آبان ۱۳۸۷ با رأی‌گیری عمومی کارگران و با آرای بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت‌تپه، علی‌رغم مخالفت‌ها و ممانعت‌های فراوان وزارت کار و هشدارهای وزارت اطلاعات به فعالان کارگری؛ به‌طور رسمی بازگشایی شد.

علی نجاتی، جلیل احمدی، فریدون نیکوفرد، قربان علی‌پور و محمد حیدری مهر، رئیس و چهار عضو هیئت مدیره سندیکا در اردیبهشت ۱۳۸۹ در دادگاه انقلاب به اتهام تبلیغ علیه نظام محاکمه و به یک سال حبس و سه سال محرومیت از حضور در تمامی فعالیت‌ها و انتخابات صنفی کارگران محکوم شدند. شش ماه (هشت ماه برای محمد حیدری مهر) از مدت زندان آن‌ها به مدت پنج سال تعلیق شده‌است.

- **بیانیه چهار تشکل کارگری تحت عنوان «منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران»:**

بهمن‌ماه ۱۳۸۸ نیز چهار تشکل مستقل کارگری (سندیکای شرکت واحد، سندیکای نیشکر هفت‌تپه، اتحادیه آزاد کارگران و انجمن صنفی برق و فلزکار کرمانشاه) بیانیه‌ای تحت عنوان «منشور مطالبات حداقلی کارگران ایران» را انتشار می‌دهند. در این متن آنان مطالبات خود را در ده بند به شرح زیر آوردند:

۱. به رسمیت شناخته شدن بی قید و شرط ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، اعتصاب، اعتراض، تجمع، آزادی بیان، مطبوعات و حزب.

۲. لغو فوری مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه فعالین کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی از زندان.
۳. افزایش فوری حداقل دستمزدها براساس اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان منتخب آنها در مجامع عمومی کارگری.
۴. طرح هدفمند کردن یارانه‌ها باید متوقف و دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی‌هیچ عذر و بهانه‌ای پرداخت گردد..
۵. تامین امنیت شغلی برای کارگران و تمامی مزدبگیران، لغو قراردادهای موقت و سفید امضاء، برچیده شدن کلیه نهادهای دست‌ساز دولتی از محیط‌های کار و تدوین و تصویب قانون کار جدید با دخالت مستقیم نماینده‌های منتخب مجامع عمومی کارگران.
۶. اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه‌ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده‌اند و یا به سن اشتغال رسیده و آماده به کار هستند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند.
۷. لغو کلیه قوانین تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی عرصه‌های زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی.
۸. برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره‌مندی آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی.
۹. تمامی کودکان باید جدای از موقعیت اقتصادی و اجتماعی والدین، نوع جنسیت و وابستگی‌های ملی و نژادی و مذهبی از امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگانی برخوردار شوند.
۱۰. اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هرگونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد.

### **دوره دوازدهم (۱۳۸۹-۱۳۹۷): علیه بازار**

- سه اعتصاب کارگران پتروشیمی بندر امام ماهشهر در اسفند، ۱۳۸۹ و فروردین و مهر ۱۳۹۰: در این سال کارگران پتروشیمی بندر امام ماهشهر طی ۷ ماه سه اعتصاب گسترده را سازماندهی کردند. در اعتصاب اول که از جانب کارگران پتروشیمی در تبریز صورت گرفت کارگران از ۷ اسفندماه ۱۳۸۹ به مدت ۱۰ روز دست به اعتصاب زده و بالاخره این اعتصاب با پاسخگویی به مطالبات

کارگران پایان یافت که در این اعتصاب حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت داشتند. اعتصاب دوم در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ از جانب کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر آغاز شد و به مدت ۱۱ روز ادامه یافت که کارگران مدیریت را وادار به پذیرش بخشی از خواسته‌های خود کرده و برای برچیدن شرکت‌های پیمانکاری در این واحد مهلتی سه ماهه به مدیریت دادند. اعتصاب سوم در مهر ماه با شرکت بیش از ۶۰۰۰ نفر به دنبال پایان مهلت مقرر و پس از حدود ۶ ماه کشمکش میان مدیریت و کارگران پتروشیمی بندر ماهشهر صورت گرفت و کارگران بر خواست خود مبنی بر برچیدن شرکت‌های پیمانکاری و انعقاد قراردادهای دسته‌جمعی کار پافشاری کردند (نک به: «اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر در گفتگو با یک فعال کارگری» و «مبارزه کارگران پتروشیمی و اصلاحیه قانون کار در گفتگو با بهروز خباز»).

این مهمترین اعتراض کارگران در بعد از انقلاب به «موقتی‌سازی قراردادهای» و «برچیدن شرکت‌های پیمانکار» بود که توأم شدن آن با موفقیت کارگران جایگاه ویژه‌ای به این اعتصاب می‌دهد.

#### - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۱:

\*اعتصاب کارگران نی‌شکر هفت‌تپه در اردیبهشت ۱۳۹۱: در اردیبهشت ماه ۱۳۹۱ حدود ۲۰۰۰ نفر از نی‌بران شرکت کشت و صنعت کارون شوشتر از کار بیکار شده و دست به اعتراض می‌زنند.

\*اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفای ساوه در دی ۱۳۹۱: دی ماه ۱۳۹۱ حدود ۱۲۰۰ کارگر «کارخانه نورد لوله صفا» در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه معوقات خود برای مدت چندین روز دست به اعتصاب می‌زنند.

\*اعتراض رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه در آذر ۱۳۹۱: ۱۴ آذر ۱۳۹۱ رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه اقدام به جمع‌آوری ۲۰۰۰ امضاء در سطح شرکت واحد جهت اعتراض به لایحه‌ی اصلاح قانون کار می‌کنند.

#### - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۲:

\* سه اعتصاب معادن چادرملو اردکان در سال ۱۳۹۲: ابتدا ۶ آذر ۱۳۹۲ حدود ۸۰۰ نفر از کارگران معدن «چادرملو» در اردکان در اعتراض به دستمزدهای ناعادلانه و همچنین اخراج رئیس نهاد کارگری این معدن بیش از یک ساعت دست از کار کشیده و تجمع کردند. پس از حضور کارفرما در جمع کارگران متحصن و طرح وعده‌هایی برای حل مشکلات صنفی کارگران، این اعتراض صنفی به طور موقت خاتمه یافت.

۱۵ آذر ۱۳۹۲ نزدیک به بیش از ۲ هزار کارگر معدن چادرملو در واکنش به اخراج «بهرام حسنی نژاد» دبیر تشکل کارگری این شرکت پیمانکاری دست به اعتصاب می‌زنند که تا ۱۸ آذر ادامه می‌یابد. در جریان این اعتصاب جمعی از فعالان کارگری معادن شهرستان بافق با ارسال نامه‌ای به نماینده اردکان در مجلس، به حمایت از اعتصاب کارگران معادن چادرملو پرداختند.

در ۸ بهمن ۱۳۹۲ بار دیگر بیش از ۲ هزار نفر از کارگران در واکنش به حکم اخراج نماینده صنفی‌شان به میدان می‌آیند و دست از کار می‌کشند. تا روز ششم اعتصاب تعداد بازداشتی‌ها به ۲۸ نفر می‌رسد اما کارگران همچنان به اعتصاب‌شان ادامه می‌دهند. سرانجام مقاومت کارگران نتیجه می‌دهد و ۱۵ اسفند ۱۳۹۲ وکیل عضو اخراجی انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس (پیمانکار نیروی انسانی معدن چادرملو) از توافق شفاهی با این شرکت پیمانکاری برای بازگشت به کار موکلش خبر می‌دهد. این اعتصاب دست‌کم از سه نظر اهمیت داشت:

اول) دست گذاشتن آشکار کارگران بر ظرفیت‌های قانون کار برای «قانونی نشان دادن» اعتراض‌شان (ماده ۱۳۱ قانون کار).

دوم) ایستادگی در حمایت از نماینده‌شان (که مصداق «یکی برای همه و همه برای یکی» بود).

سوم) تجلی همبستگی کارگری به اعتبار حمایت کارگران معادن بافق از کارگران چادرملو.

## - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۳:

بنا بر تحقیقی معتبر<sup>[۱]</sup> (با عنوان «زیر پوست شب، جنبشی در اعماق می‌تپد») در مجموع در سال ۱۳۹۳ حدود ۳۶۵ واحد تولیدی-خدماتی دستخوش اعتراض کارگری بوده است که این عدد به طرز جالبی با روزهای سال برابر است.

**\*اعتصاب کارگران معدن چادرملو حدفاصل اردیبهشت تا تیر ۱۳۹۳:** در سال ۱۳۹۳ بار دیگر کارگران چادرملو به میدان می‌آیند و این‌بار از ۲۷ اردیبهشت در اعتراض به خصوصی‌سازی شرکت دست از کار می‌کشند. سرانجام در ۴ تیر ۱۳۹۳ با لغو مصوبه خصوصی‌سازی معدن و دستیابی

<sup>۱</sup> علت «معتبر» دانستن این پژوهش از آن‌روست که اولاً به صورت تصادفی داده‌ها و اعداد و ارقام مندرج در این گزارش در خبرگزاری‌های رسمی جستجو شدند و همگی برابر با واقع بودند و ثانیاً در پژوهش اخیر همین تیم درباره تعداد اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۶ و مقایسه آن با عدد به‌دست آمده توسط ما در این گزارش حاکی از فاصله‌ی بسیار کم یافته‌ها باهم است و این نشان می‌دهد که تیمی از انجام‌دهندگان آن پژوهش‌ها بری از دخالت‌دادن جانبداری ایدئولوژیک در اعلام یافته‌ها و انجام خود روند تحقیق هستند. وجود مصادیقی نظیر مورد زیر در این گزارش نشان می‌دهد که پژوهش‌گران اهتمام جدی به بازنمایی دقیق واقعیت دارند و در مواردی که داده‌ای نداشتند صادقانه اعلام کرده‌اند:

«از این میان، کارگران در ۲۵۹ واحد، نسبت به عدم دریافت به موقع دستمزد و مزایا به اشکال مختلف از جمله تجمع و اعتصاب دست به اعتراض زدند. تعداد کارگران شرکت‌کننده در اعتراض در ۱۰۰ واحد، ۳۴۲۳۶ نفر گزارش شده است. (از ۱۵۹ واحد دیگر اطلاعی در دست نیست).»



کارگران به بخش مهمی از مطالباتشان کارگران، اعتصاب بیش از ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن مرکزی بافق پس از چهل روز پایان می‌پذیرد. استاندار یزد در جمع کارگران متحصن حاضر می‌شود و مصوبه هیأت دولت مبنی بر لغو واگذاری ۲۸/۵ درصد از سهام معدن سنگ آهن مرکزی بافق به بخش خصوصی را قرائت می‌کند.

۲۸ مرداد ۱۳۹۳ دو تن از نمایندگان کارگران معدن سنگ آهن بافق که پیگیر وعده‌های مسئولین مبنی بر توقف واگذاری شرکت به بخش خصوصی بودند بازداشت می‌شوند و تلاش برای بازداشت ۱۶ تن دیگر با مقاومت کارگران ناکام می‌ماند. ساعت ۱۰ همان شب اعتصاب کارگران در اعتراض به بازداشت ۲ تن از رفقای‌شان آغاز می‌شود. با بازداشت ۵ کارگر دیگر در پنجمین روز اعتصاب، خانواده‌های کارگران بازداشتی مقابل دفتر کارفرما تحصن می‌کنند. سرانجام پس از ۱۷ روز اعتصاب کارگران بازداشتی آزاد می‌شوند و معاون سیاسی-امنیتی استان یزد از لغو قطعی واگذاری سهام ۲۸/۵ درصدی معدن بافق به بخش خصوصی خبر می‌دهد.

این جدی‌ترین اعتصاب کارگری بعد از انقلاب با مطالبه‌ی لغو خصوصی‌سازی بوده است و از این حیث در تاریخ اعتراضات کارگری پس از انقلاب باید آن را به‌عنوان نقطه‌ی عطف در نظر گرفت.

**\*/اعتراض معلمان در اسفند ۱۳۹۳ و فروردین ۱۳۹۴:** در صحنه‌ای دیگر از اعتراضات کارگری سال ۹۳، روز ۱۰ اسفند معلمان در بیش از ۱۱ استان و ۲۰ شهر کشور بر علیه تبعیض و وضعیت بد معیشتی، فقر و فشارهایی که بر معلمان ایران وجود دارد دست به تجمعی گسترده می‌زنند. این تجمع به دعوت «کانون صنفی معلمان سراسر کشور» انجام می‌شود.

پس از تعطیلات نوروزی این اعتراضات ادامه پیدا کرد. روز پنجشنبه ۲۷ فروردین، تجمع سکوت معلمان در شهرهای بزرگ برگزار شد. استان‌های خراسان رضوی، لرستان، هرمزگان، کردستان، خوزستان، فارس و قزوین شاهد تجمع اعتراضی معلمان بودند. در تهران بیش از دوهزار معلم در برابر ساختمان مجلس تجمع کردند. معلمان در این گردهمایی که به «تجمع سکوت» مشهور شد، خواستار افزایش ۳۰ درصدی دستمزد و فوق‌العاده شغل، افزایش ۲۲ درصدی بودجه آموزش و پرورش در لایحه بودجه ۹۴ و برطرف شدن کسری بودجه ۵ هزار میلیاردی این وزارتخانه، اجرای بند ۵ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری، انتخاب مشاوران وزیر آموزش و پرورش از میان معلمان مقاطع سه گانه، اعتراض به تصویب و اجرای طرح رتبه‌بندی معلمان و صیانت حقوقی و قضایی از شخصیت معلم، توقف خصوصی‌سازی مدارس و محفوظ ماندن فرصت استفاده از تحصیل رایگان به عنوان یک حق شهروندی شدند.

## - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۴:

اما اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۴ در قیاس با سال قبل از آن، به طرز قابل ملاحظه‌ای مشمول رشد کمی و کیفی است. بنا بر پژوهش صورت گرفته (همان) کارگران در این سال مجموعاً در ۵۱۵ واحد تولیدی به اشکال مختلف دست به اعتراض زدند که این رقم در قیاس با سال قبل حکایت از رشد ۴۱ درصدی اعتراضات دارد. از جمله اعتصاب‌های پراهمیت این سال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- اعتصاب ۵۴ روزه کارگران قطارشهری اهواز (شرکت «کیسون») در دو مرحله.

- اعتصاب ۴۷ روزه کارگران لوله و نوردصفا در دو مرحله.

- اعتصاب ۴۰ روزه کارگران کارخانه فولاد و چدن درود طی سه مرحله.

❖ همچنین در مورد اعتصاب و تجمع هم‌زمان موارد زیر حائز توجه‌اند:

- اعتراض هم‌زمان کارگران پتروشیمی‌های ماهشهر و عسلویه.

- اعتراض هم‌زمان کارگران پتروشیمی‌های اراک، اصفهان، تبریز و ماهشهر.

- اعتصاب هم‌زمان ۲۰۰۰ کارگر معادن زغال‌سنگ کوهبنان از جمله پابدانای جنوبی، چشمه پودنه، اصلی، هشونی.

❖ مبارزه و اعتراض معلمان در دی و اسفند ماه ۹۳ به‌طور مؤثر از امکانات اینترنتی به‌ویژه از سیستم

تلگرام برای بحث و تبادل نظر در مورد مطالبات معلمان، آموزش فعالیت‌های صنفی و سازماندهی اعتراضات استفاده می‌کردند. معلمان با استفاده از این امکانات، توانستند خود را به سرعت در گروه‌های تلگرام سازماندهی کنند و اعتراض‌های سراسری را تدارک ببینند. مهمترین اعتراض‌ها و تجمع‌های سراسری معلمان در سال ۱۳۹۴ عبارت بود از:

- تجمعات اعتراضی سراسری در ۲۷ فروردین ماه.

- تجمعات سراسری در ۱۷ اردیبهشت بمناسبت روز معلم.

- تجمع اعتراضی در مقابل مجلس در روز ۳۱ تیر با خواست آزادی معلمان در بند از جمله اسماعیل عبدی و رسول بداعی.

- تجمع اعتراضی سراسری در ۱۶ مهر ماه.

- بیش از ۱۸ مورد اعتراض توسط معلمان، در روزهای دیگر با همان خواسته‌ها در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها برگزار شد.

❖ در این سال پرستاران نیز بسیار پُررنگ‌تر از گذشته اعتراضات خود را اعلام داشتند که دست کم در بحث از سطح پایین دستمزد و عدم پرداخت به موقع مطالبات‌شان در ۱۷ بیمارستان به تجمع و اعتصاب دست زدند.

### - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۵:

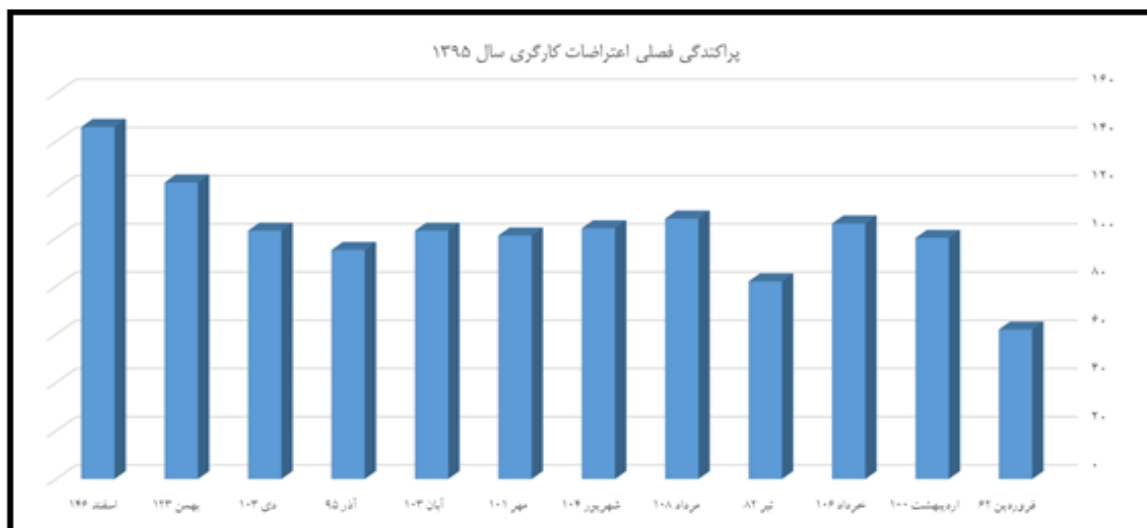
پژوهشی مشابه پژوهش مربوط به اعتراضات کارگری سال ۱۳۹۴ («گزارشی از مبارزه و اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۵») حاکی از آن است که در طول سال ۱۳۹۵، کارگران در ۶۵۳ مرکز تولیدی و خدماتی به اشکال مختلف برای کسب مطالبات خود دست به اعتراض زدند. این رقم نسبت به سال ۱۳۹۴ که شاهد اعتراض کارگران در ۵۱۵ واحد بودیم نشان‌دهنده افزایش حدود ۲۷ درصدی اعتراضات کارگری است. در مجموع طی سال ۱۳۹۵، ۱۲۶۴ مورد اعتراض‌های کارگری یعنی بطور متوسط هر روز بیش از ۳ اعتراض کارگری به وقوع پیوست. اعتراض‌ها در طول سال، روندی صعودی داشت و در سه ماه پایانی بطور چشم‌گیری افزایش یافت:

سه ماهه اول سال (بهار): ۲۶۸ مورد: ( فرردین: ۶۲ مورد؛ اردیبهشت: ۱۰۰ مورد؛ خرداد: ۱۰۶ مورد)

سه ماهه دوم سال (تابستان): ۲۹۴ مورد: (تیر: ۸۲ مورد؛ مرداد: ۱۰۸ مورد؛ شهریور: ۱۰۴ مورد)

سه ماهه سوم سال (پائیز): ۲۹۹ مورد: (مهر: ۱۰۱؛ آبان: ۱۰۳ مورد؛ آذر: ۹۵ مورد)

سه ماهه چهارم سال (زمستان): ۴۰۳ مورد: (دی: ۱۳۰ مورد؛ بهمن: ۱۲۳ مورد؛ اسفند: ۱۴۶ مورد)



❖ اما اگر بخواهیم به موارد قابل توجه اعتراضی در این سال اشاره‌ی مشخصی هم بکنیم، می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- اعتراض به لایحه اصلاح قانون کار در ۲۵ آبان ۱۳۹۵ به دعوت «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه».
- سال ۹۵ همچنین سال به میدان آمدن بسیار پُررنگ «بازنشستگان» بود که به سبب تعداد دفعات و کیفیت حضورشان از آن‌ها با عنوان «جنبش بازنشستگان» هم یاد شد که در ذیل به برخی از موارد چشم‌گیر آن اشاره می‌کنیم:
  - ۲۹ و ۳۰ فروردین: تجمع هزاران بازنشسته صنعت فولاد کشور در مقابل مجلس.
  - ۳۰ فروردین: تجمع معلمان بازنشسته مقابل مجلس.
  - ۹ مهرماه: تجمع سراسری بازنشستگان فرهنگی.
  - ۹ آبان تجمع صدها نفر از بازنشستگان فولاد سراسر کشور مقابل وزارت کار برای همسان‌سازی و پرداخت به موقع مستمری.
  - ۲۵ آبان: تجمع بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی مقابل مجلس.
  - ۱۴ آذر: تجمع سراسری فرهنگیان بازنشسته.
- نکته‌ی دیگر اعتراضات کارگری این سال، اعتراضات قابل توجهی از سوی «دستفروشان» و برخورد‌های نیروی انتظامی و یا مأموران شهرداری با این اعتراضات بود که در مورد قابل توجه آن موارد زیرند:
  - ۷ مهر: تجمع اعتراضی دستفروشان در مقابل شهرداری سنندج.
  - ۱۸ اسفند: تجمعات خانوادگی دستفروشان همدان مقابل فرمانداری و شهرداری.
- همچنین در طول سال ۱۳۹۵ حداقل ۱۶ مورد اقدام به خودکشی توسط کارگران که ریشه در مسایل کاری داشته گزارش شده است که ۹ مورد آن به مرگ منجر شد.
- **اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم ۱۳۹۶:**

در سال ۹۶ که آغاز سیاست‌گذاری‌های دولت دوازدهم است، فرایند خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی تا حد زیادی تکمیل شده، آموزش عمومی و عالی بنحوی موفقیت‌آمیز خصوصی شده به طوری که حدود ۱۰ درصد آموزش عالی دولتی باقی مانده و نزدیک به ۶۰ درصد هزینه آموزش عمومی را خود مردم پرداخت می‌کنند. عرصه سلامت نیز تا حد زیادی به بخش خصوصی واگذار شده، طرح مسکن اجتماعی که آخرین بار با نقصان‌های بسیار در دولت دهم پی گرفته شده بود با تمام قوا در دولت

یازدهم و دوازدهم از اساس مورد حمله قرار می‌گیرد، به نحوی که رییس جمهور در سال ۹۶ پس از تخریب مسکن مهر در زلزله کرمانشاه اعلام می‌کند: « مردم بهتر می‌توانند برای خودشان خانه بسازند». به‌علاوه با آغاز سال ۹۶ دولت از طریق تصویب و اجرایی کردن بسته‌ی اشتغالی، قصد دارد گام مهمی در عقب‌نشینی از حوزه‌ی اشتغال نیز بردارد. بدین ترتیب از سال ۹۴، پیامدها و بحران‌های ناشی از خصوصی‌سازی واحدهای اقتصادی که به عدم پرداخت دستمزد و بیکاری منجر شده بود، در شدت گرفتن اعتراضات کارگری نمود می‌یابد. با افزایش هزینه‌های رفاه عمومی برای مردم، بحران حداقل دستمزد نیز اضافه می‌گردد. از طرفی بحران اشتغال با آغاز دهه‌ی نود و خواست ورود جمعیت عظیم دهه‌ی شصتی‌ها به بازار کار نمودی عینی می‌یابد. همه‌ی این مختصات در شرایطی حاکم است که دولت روحانی در دور دوم در سال ۹۶، سیاست عقب‌نشینی را با شدت بیشتری پی می‌گیرد که اولین و مهم‌ترین نمود آن «بسته‌ی اشتغالی دولت» و به ویژه «طرح کارورزی» است. شدت و کثرت اعتراضات کارگری در سال ۹۶ بازنمایی تکامل همه‌ی بحران‌هایی است که سالها برای نیروی کار انباشت شده و در این سال دور جدیدی از بحران‌افزایی نیز آغاز شده است. این بررسی فعلی، همین تراکم و کثرت اعتراضات کارگری را در سال ۹۶ نشان می‌دهد؛ روند افزایشی اعتراضات در سال ۹۶ که در دی ماه به فوران‌های اجتماعی بدل شد و بعد از فروکش کردن آن باز هم ادامه یافت و تا امروز ادامه دارد.

در این سال ۱۲۵۱ مورد اعتراض وجود داشته که این تعداد نسبت به سال ۹۵ که تعداد اعتراضات ۱۲۶۴ مورد بوده، تقریباً ثابت مانده است. البته آمارهای گوناگونی از تعداد اعتراضات وجود دارد و با توجه به نوع تقسیم‌بندی و سطح تحلیل آماری اعتراضات، تفاوت‌هایی در داده‌ها به چشم می‌خورد. همچنین کارگران ۶۸۹ واحد تولیدی و خدماتی در این اعتراضات شرکت کردند که در مقایسه با ۶۵۳ واحد در سال ۹۵، نشانگر افزایش ۵/۵ درصدی از نظر تعداد واحدها است.

### - اعتصابات و اعتراضات کارگری مهم سال ۱۳۹۷:

با توجه به آمار و ارقام در دسترس، با اطمینان می‌توان گفت که از اوایل دهه شصت به این سو تعداد و ابعاد اعتراض‌های کارگری هیچ‌گاه به این اندازه و در این سطح نبوده است. حتی در مقایسه با چند سال گذشته که شاهد روند افزایش‌یابنده اعتراضات کارگری بودیم، باز هم سال ۱۳۹۷ را می‌توان استثنایی در این میان به‌شمار آورد. ارقام خود گویاست: در طول سال گذشته در مجموع ۱۷۰۰ مورد اعتراض کارگری در مراکز تولیدی و خدماتی و توسط بازنشستگان در بخش‌های مختلف، به‌وقوع پیوست. این رقم در مقایسه با سال ۹۶ که بیشترین تعداد اعتراض‌ها را در سال‌های پیش یعنی حدود ۱۳۴۰ مورد را به خود اختصاص داده بود، نشان‌دهنده افزایش حدود ۲۷ درصدی است. به بیان دیگر، در این سال

به‌طور میانگین هر روز ۴/۵ اعتراض کارگری به وقوع پیوست. این رقم در سال ۱۳۹۵ حدود ۳ مورد و در سال ۱۳۹۶ حدود ۳/۵ مورد بود.

اعتراضات مهم این سال عبارت‌اند از:

**\*کارگران فولاد اهواز و هفت تپه:** کارگران این دو مجتمع تولیدی، هم توانستند که اعتراض‌های خود را بطور همزمان سازماندهی کنند و هم اینکه در جریان اعتراض‌ها از یک دیگر حمایت کردند و در همان حال گام‌های بلندی برای تشکلیابی برداشتند. به‌علاوه این اعتصاب و اعتراض‌ها موجی از همبستگی سراسری را به دنبال داشت: تشکلهای مستقل کارگری، تشکلهای بازنشستگان، بخشی از دانشجویان، نویسندگان و وکلا با انتشار بیانیه و اطلاعیه از این کارگران حمایت کردند. همچنین بخش‌هایی از مردم به‌ویژه مردم اهواز و شوش به اشکال مختلف از این اعتصاب و مبارزه پشتیبانی کردند.

**\*معلمان:** در سال گذشته کانون‌های صنفی معلمان موفق شدند که اعتراض‌های خود را بهتر و هماهنگ‌تر از قبل سازماندهی کنند. همچنین شاهد بودیم که که دیگر تشکلهای مستقل کارگری با انتشار بیانیه و اطلاعیه، همبستگی خود را با مطالبات معلمان اعلام کردند.

**\*بازنشستگان:** بازنشستگان توانستند گام‌های بلندی در جهت تشکلیابی بردارند. افزون بر آن تشکلهای بازنشستگی با درایت، همبستگی خود را از مبارزه بخش‌های شاغل کارگران و از جمله معلمان اعلام داشتند و از آنان پشتیبانی کردند. به‌همین‌گونه معلمان در بیانیه‌های خود به مسئله بازنشستگان و صندوق‌های بازنشستگی توجهی درخور نشان دادند.

**\*پرستاران:** اعتراضات پرستاران و کارکنان بیمارستان‌ها در سال گذشته همچون سال ماقبل آن ادامه یافت. پس از افول اعتراضات پرستاران در سال‌های ۹۴ و ۹۵ (که ریشه‌هایش را باید در سازمان نظام پرستاری و هیئت مدیره‌های این سازمان جستجو کرد که اصلاح‌طلبان حکومتی در آن اکثریت دارند) شاهد روند رشدیابنده اما پراکنده‌ی این اعتراضات در سال‌های ۹۶ و ۹۷ بودیم.

**\*بی‌کاران:** اعتراضات جوانان متقاضی کار و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در سال گذشته در همان سطوح و کم‌وکیف سال ماقبل جریان داشت و نشانه‌هایی از هماهنگی، تلاش برای تشکلیابی و سازماندهی اعتراض به بیکاری با خواست حق داشتن کار، مشاهده نشد.

❖ **اعتراضات اقصای اجتماعی دیگر:**

**\*کامیون‌داران و صاحبان وسایل نقلیه عمومی:** در سال ۱۳۹۷ کامیون‌داران، تاکسی‌داران و صاحبان مینی‌بوس و اتوبوس‌ها (خویش‌فرما و کارفرمایان کوچک) نسبت به افزایش هزینه‌ها از جمله قیمت لاستیک و دیگر وسایل یدکی و عدم دریافت حمایت دولتی در این زمینه، اخاذی مأموران دولتی و نیز نسبت به اجحافات و زورگویی شرکت‌های باربری و فساد انجمن‌های صنفی وابسته به دولت، بارها دست به اعتراض زدند. در این ارتباط به‌ویژه کامیون‌داران چند بار در سطح سراسری اعتصاب کردند و از بارگیری و حمل محموله‌ها خودداری کردند. لازم به تذکر است که اعتراض صاحبان وسایل حمل‌ونقل را نباید با اعتراض کارگران راننده (مشمول قانون کار) مخدوش کرد و هر دو را یکی دانست. آن دسته از راننده‌ها که در این اعتراضات شرکت کرده بودند، در واقع در جهت تحقق مطالبات کارفرمایان خود بودند. به بیان دیگر خواسته‌های مشخص کارگران راننده در این اعتراضات جایگاهی نداشت. البته در چند سال گذشته شاهد اعتراضات رانندگان کامیون‌ها بودیم؛ از جمله این که رانندگان در شرکت حمل و نقل بین‌المللی خلیج فارس نسبت به خصوصی‌سازی، نداشتن امنیت شغلی و عدم پرداخت مطالبات خود به اعتراض دامنه‌داری دست زدند.

**\*کشاورزان:** بخش‌هایی از کشاورزان از جمله در اصفهان نسبت به کم‌آبی و عدم توزیع عادلانه‌ی آب، چندین بار دست به تجمع زدند که با سرکوب و خشونت دولتی روبرو شدند. همچنین بخش‌هایی از کشاورزان نسبت به پایین‌بودن سطح درآمد خود، حمایت‌نشدن از سوی دولت و نقش واسطه‌ها و دلال‌ها در به جیب زدن حاصل دسترنج‌شان بارها تجمع اعتراضی برپا کردند.

## منابع:

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه: کاظم فیروزمند، حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی، تهران: نشر مرکز. و ایضا ترجمه‌ی دیگری از این اثر توسط احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آذربایجانی، اکبر. (۱۳۹۳)، نبرد قدرت‌های بزرگ و قیام کارگران اصفهان، آبادان: نشر پرسش.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۶)، کارگران در گفتار و کردار چریک‌های فدایی، از کتاب «راهی دیگر: در بود و باش چریک‌های فدایی خلق ایران (جلد اول)»، نشر نقطه و انستیتوی بین‌المللی تاریخ اجتماعی.
- اتابکی، تورج. (۱۳۹۷)، تجدد رایزنانه، گزینه‌ای در برابر تجدد آمرانه: نگاهی به تلاش‌های کنشگران کارگری ایران در توانمندسازی جامعه‌ی مدنی دوران پسامشروطه، تهران: فصلنامه نگاه نو، سال بیست و هشتم، شماره ۱۲۰: ۱۲۶-۱۲۳.

- اشرف، احمد. (۱۳۹۰)، کالبدشکافی انقلاب: نقش کارگران صنعتی در انقلاب ایران، کانادا: فصلنامه ایران‌نامه، سال ۲۶، شماره ۳ و ۴.

- اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشر در گفتگو با یک فعال کارگری، قابل دسترسی در:

[http://b-](http://b-pak.org/)

[pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-](http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-%/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷)

[%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-](http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-%/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷)

[%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-](http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-%/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷)

[%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-](http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-%/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷)

[/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷](http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۱/۱۸/%D۸%A۷%D۸%B۹%D۸%AA%D۸%B۵%D۸%A۷%D۸%A۸-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۷%D۸%B۴%D۹%۸۷%D۸%B۱-%D۸%AF%D۸%B۱-%/D۹%۸۵%D۸%B۵%D۸%A۷)

- بیات، کاوه و تفرشی، مجید. (۱۳۷۰)، خاطرات دوران سپری شده (خاطرات و اسناد یوسف افتخاری ۱۳۹۹ تا ۱۳۳۹)، تهران: انتشارات فردوس.

- بیات، آصف. (بی‌تا)، کارگران و انقلاب در ایران: بازنگری تجربیات کنترل کارگری در ایران، ترجمه: داریوش افشار، نسخه PDF (ترجمه فصل هفتم کتاب):

Workers and Revolution in Iran: A Third World Experience of  
(Workers' Control (London, ۱۹۸۷)

- بابایی، پرویز. (۱۳۹۲). «جنبش کارگری و کودتای ۲۸ مرداد» (مصاحبه)، امیر عباس آزرمنون، قابل دسترسی در:

[http://kanoonmodafean۱.blogspot.com/۲۰۱۳/۰۸/blog-post\\_۲۵.html](http://kanoonmodafean۱.blogspot.com/۲۰۱۳/۰۸/blog-post_۲۵.html)

- پایدار، ناصر. (بی‌تا)، تاریخ جنبش کارگری ایران (متولد بی‌راهه، زندانی گمراهه، در جستجوی راه)، بی‌جا.

- پایدار، ناصر. (۲۰۱۹)، تاریخ جنبش کارگری ایران، قابل دسترسی در:

[http://www.ofros.com/maghale/paydar\\_tjk.htm](http://www.ofros.com/maghale/paydar_tjk.htm)

- پولانزاس، نیکوس (۱۳۹۰). «طبقه در سرمایه‌داری معاصر»، ترجمه: حسن فشارکی و فرهاد مجلسی‌پور، نشر رخداده نو.

- تسنیم، ۲۱ آذر ۹۵:



<https://www.tasnimnews.com/fa/news/۱۳۹۵/۰۹/۲۱/۱۲۶۴۲۱۰>

- خسروپناه، محمدحسین و باست، الیور. (۱۳۸۸)، فرقه‌ی عدالت ایران: از جنوب قفقاز تا شمال خراسان (۱۹۱۷-۱۹۲۰)، تهران: انتشارات پردیس دانش و شرکت نشر و پژوهش شیرازه.
- خسروشاهی، یدالله. (۱۳۹۲)، تاریخ شفاهی شورای کارگران نفت، کمیته‌ی انتشارات بنیاد پژوهشی-آموزشی کارگران (پاک).
- خسروی، کمال. «افسانه و افسون طبقه‌ی متوسط»، قابل دسترسی در:

<https://naghd.com/۲۰۱۸/۰۷/۱۶/%D۸%A۷%D۹%۸۱%D۸%B۳%D۸%A۷%D۹%۸۶%D۹%۸۷-%D۹%۸۸-%D۸%A۷%D۹%۸۱%D۸%B۳%D۹%۸۸%D۹%۸۶-%D۸%B۷%D۸%A۸%D۹%۸۲%D۹%۸۷%E۲%۸۰%۸C%DB%۸C-%D۹%۸۵%D۸%AA%D۹%۸۸%D۸%B۳%D۸%B۷/>

- شاکری، خسرو. (۱۳۸۴)، پیشینه‌های اقتصادی-اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی، تهران: انتشارات اختران.
- لاجوردی، حبیب. (۱۳۷۷)، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه: ضیاء صدقی، تهران: نشر نو.
- محمودی، جلیل و سعیدی، ناصر. (۱۳۸۱)، شوق یک خیز بلند: نخستین اتحادیه‌های کارگری در ایران (۱۲۸۵-۱۳۲۰)، تهران: انتشارات قطره.
- یزدانی، سهراب. (۱۳۹۱)، اجتماعيون عاميون، تهران: نشر نی.
- خیراللهی، علیرضا. (۱۳۹۷)، کارگران بی‌طبقه (توان چانه‌زنی کارگران در ایران پس از انقلاب)، تهران: انتشارات آگاه.
- دارالشفاء، یاشار (۱۳۸۷). «تراژدی قهرمان»، نشریه سرپیچ، شماره ۴.
- رهنما، سعید. (۲۰۱۶)، سازماندهی طبقه‌ی کارگر: درس‌های گذشته و راه‌های آینده، قابل دسترسی در:

<https://pecritique.com/۲۰۱۶/۰۵/۰۱/%D۸%B۳%D۸%A۷%D۸%B۲%D۹%۸۵%D۸%A۷%D۹%۸۶%E۲%۸۰%۸C%D۸%AF%D۹%۸۷%DB%۸C-%>

%D۸%B۷%D۸%A۸%D۹%۸۲%D۹%۸۷%E۲%۸۰%۸C%DB%۸C-

%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱-

%D۸%AF%D۸%B۱%D۸%B۳%E۲%۸۰%۸C%D۹%۸۷%D۸%A۷%DB%۸C-

%DA%AF%D۸%B۰%D۸%B۴/

- «زیر پوست شب، جنبشی در اعماق می‌تپد» (بررسی اعتراضات کارگری سال ۱۳۹۴)، قابل دسترسی در:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/karegaran-۹۴-۲>

- سوداگر، محمدرضا. (۱۳۶۹)، «رشد روابط سرمایه‌داری در ایران: مرحله‌ی گسترش (۱۳۴۲-۵۷)»، تهران: انتشارات شعله اندیشه.

- صفرزاده، هاله، «تاریخچه قانون کار در ایران»، قابل دسترسی در:

[http://www.ofros.com/gozaresh/safarzade\\_tghkar.htm](http://www.ofros.com/gozaresh/safarzade_tghkar.htm)

- عزیزی، یدی و فلاحی، مظفر. (۲۰۱۷)، شکل‌گیری و فعالیت اتحادیه صنعتگر در شهر سنج (۱۳۶۷-۱۳۶۵)، بازنشر نسخه‌ی پی‌دی‌اف قابل دسترسی در:

<https://www.gozaar.net/a/۸۸۱۵>

- گزارشی از مبارزه و اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۵، قابل دسترسی در:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/۱۰۰۰۲-۹۶-۲>

- گزارش مبارزات و اعتراضات کارگران و زحمتکشان ایران در سال ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/kargaran-۹۶>

- گیلانی‌نژاد، مازیار. «تاریخچه اتحادیه‌ی کارگران معدن شمشک»، قابل دسترسی در:

<https://rahekargarnews.wordpress.com/۲۰۱۴/۱۲/۲۵/gile-۲۸۶>

- گیلانی‌نژاد، مازیار. «تاریخچه اتحادیه‌ی کارگران چیت‌سازی ری»، قابل دسترسی در:

<https://mejalehhaftah.com/۲۰۱۵/۱۰/۰۱/۹۳۳۲۰/>

- مبارزه کارگران پتروشیمی و اصلاحیه قانون کار در گفتگو با بهروز خباز، قابل دسترسی در:

<http://b-pak.org/۲۰۱۲/۱۲/۰۱/%D۹%۸۵%D۸%A۸%D۸%A۷%D۸%B۱%D۸%B۲%D۹%۸۷-%DA%A۹%D۸%A۷%D۸%B۱%DA%AF%D۸%B۱%D۸%A۷%D۹%۸۶-%D۹%BE%D۸%AA%D۸%B۱%D۹%۸۸%D۸%B۴%DB%۸C%D۹%۸۵%DB%۸C-%D۹%۸۸-%D۸%A۷%D۸%B۵%D۹%۸۴%D۸%A۷%D۸%AD%DB%۸C%D۹%۸۷-%D۹%۸۲%D۸%A۷%D۹%۸۶>

- میک سینزوود، الین (۱۳۸۶). «دموکراسی در برابر سرمایه‌داری»، ترجمه: حسن مرتضوی، نشر بازتاب نگار.

- نگاهی به جنبش کارگری ایران در سال ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://etehadbinalmelali.com/ak/jonbeshe-karegari-۹۷>